هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

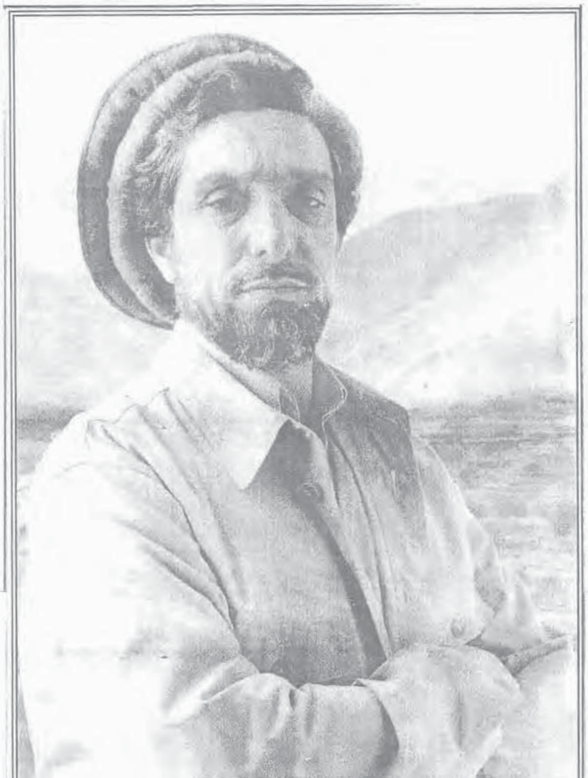
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۴ | چهارشنبه ۲۳ سنبله ۱۳۸۴ | ۱۰ شعبان المعظم ۱۴۲۶ – 14 September 2005

پیام استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت به مناسبت چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور:

مسعود جسماً درمیان ما نیست، اما او با کارنامه های تاریخی اش زنده است





بسم الله الرحمن الرحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً

رمز جاودانگی آئین انسان ساز و نجاتبخش اسلام در این است که این دین بزرگ، همیشه غنی از پیروان مؤمن و متعهدی است که در راه دفاع از حریم مقدس آن آمادهٔ هر نوع قربانی و فداکاری اند.

گذشت اعصار و قرون، دست تطاول و تجاوز، فتنه ها و نیرنگ های دشمنان باعث نابودی و ضمحلال آن و فقدان پیروان صادق و فداکار آن نمی گردد.

این حقیقت را قرآن کریم با تعبیر شیوا و دلنشین در سورهٔ احزاب چنین بیان نموده می فرماید: "از میان مؤمنان مردانی اند که در تعهدی که با خدا بسته اند صادقانه عمل کرده اند، برخی از آنان در این راه جان سپرده و جمعی دیگر در سنگر دفاع در حال پاسداری و منتظارند و راه خویش را عوض نمی کنند. در روشنایی این سنت لایتغیر الهی در این ایام، چهارمین سالروز شهادت گرامی فرزند جهاد و مقاومت را گرامی می داریم.

این شهید ارجمند در راه دفاع از دین، عزت و سربلندی ملت افغانستان، آزادی و استقلال کشور با جهاد و مقاومت خویش حماسه ها آفرید، او قهرمان ملی کشور ما شهید انجنیر مسعود بود که تا آخرین روز شهادت لحظه یی آرام نگرفت، او اکنون جسماً درمیان ما نیست، اما با کارنامه های تاریخی اش زنده است، در راه او با وجود کندی و کاستگی جمعی از یاران و رهروانش ادامه می دهند و راهش ادامه خواهد یافت.

در آئین ما شهیدان چون مکتب شان حیات جاودانی دارند آنان در ضمیر تاریخ و در وجدان ملت ها و از همه مهمتر در ملکوت اعلی و در پیشگاه احسن الخالقین جاودانه زنده اند.

امسال این خاطرهٔ فراموش ناشدنی را در شرائطی تجلیل می نماییم که مردم ما مشغول فعالیت ها در راه برگزاری مجلس شورای ملی کشورند و به آرزوی ثبات و استقرار سیاسی و امنیت و بازسازی تلاش می ورزند و ما همه می دانیم که این همه، ارمغان آن خون های پاک و محصول رنجهای فراوان وبی پایانی است که این شهیدان بزرگوار و دلیر مردان مجاهد و یاران با وفای آنان متحمل شده اند.

پیام من به یاران این شهید و سایر شهدای کشور این است که تعهد خویش با خدای خود و همسنگران شهید خویش را از یاد نبرند و فقط با تشریفات بی روح و زود گذر اکتفاء ننمایند بلکه با حفظ پیوند عمیق با تعالیم نجاتبخش دینی و ادامهٔ راه مبارزهٔ برحق خویش به یاران خفته در آرامگاه های ابدی شان پیام بفرستند.

شهیدان ارجمند! شما آرام در جوار پروردگار خویش در بهشت برین بخوابید راهتان پر رهرو است، ما و شما تعهدات خویش را فراموش نکرده ایم، غبار غفلت را اجازه نخواهیم داد بر دل و دماغ ما بنشیند و زرق و برق زندگی، فریب و نیرنگ دیگران ما را به بیراهۀ سقوط و انحراف نخواهد کشاند، آن دیدگانی که به راهی غیر از راه تان بنگرد کور باد و آن دست هایی که با دست دیگری پیمان بندد نابود و شکسته باد.

چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور در کابل و پنجشیر باشکوهی ویژه برگزار شد



روز جمعه ۱۸سنبله سال روان در استدیوم ورزشی کابل از چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود تجلیل به عمل آمد.بدین مناسبت، از جانب دولت هفته یی به نام"هفته شهید" نامگذاری شده است و همه ساله برگزار می شود. امسال ریاست کمیسیون برگزاری این همایش را به فرمان رئیس جمهوری امین فرهنگ وزیر اقتصاد کشور عهده دار بود که با شکوهی ویژه در حالی که حامد کرزی رئیس جمهوری، معاونین او رهبران جهادی، اعضای کابینه ، سفراء ، فرماندهان بزرگ جهاد ومقومت، افسران قوای مسلح وجمع غفیری از مردم اشتراک داشتند، برگزار شد.

همایش با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری عبد الحسین حسینی افتتاح شد وبعدا سرود ملی نواخته شد که همه به پاس آن بپا برخاستند و خوانش این سرود با کف زدن اشتراک کنندگان محفل نیز بدرفه گردید.

متعا قبا پیام محمد ظاهر شاه توسط امین فرهنگ وزیر اقتصاد ورئیس کمیسیون برگزاری محفل قرائت شد. درپیام ضمن اینکه شهادت قهرمان ملی کشور را به مجاهدان قهرمان وملت افغان وخانواده شهید مسعود تسلیت گفت اظهاد نمود که این قهرمان ملی باقربانی خون پاک خود راه استقلال افغانستان را گشود وتوجه جامعهٔ جهانی را در مبارزه علیه تروریزم بین المللی که همیشه به عالم بشریت اخطار می داد باز نمود. ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۳۱۴ - ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

ولسي جرگی ته باید څوک وټاکل شی؟

کـه دګـران هیـواد افغانسـتان دتـاریخ پـاڼي راواړوو او په پـوره پـاملرنې سـره يې ولولـو نودابـه جوتـه شـي چـې افغانانو دتـاریخ پـه اوږدوکـې چاتـه دبـي ننګـې سـرنه دی ټیټ کـړي او تـل يـې لـه هیـواد څخـه ددفـاع پـه خـاطر غلـیم تـه خپلـي سینې سـپر ګرځـولي. خـو ددی واک یـي چاته نـدی ورکـړي ،چـې څـوک وربانـدې تیري وکـړي او یا یـې خپلـواکې تـه زیـان ورسـوي. دوي خپلـه مبارزه پـه خبرو نه، بلکـې پـه عمـل کـې جوتـه کـړې، چـې څرګنـده بیلګـه یـې دافغانسـتان دجمهـوری ریاسـت ټاکنـه ده، چـې ددي هیـواد وګـړو پـه پـوره میړانـه اومتانـت سـره نارینه اوښځو پـه ټـول ټـاکنو کـې ونـډه واخیسـته، سـره لـه دي چې دهیـواد دښمنانو لـه خـوا ورتـه ګواښونـه کیـدل اوهڅوي یې دټـاکنو لـه بهیر څخـه پـه رنـګ رنـګ پلمـو را ګرځـول. خـو بیـاهم افغانـان دهڅـوي لـه ګواښونـو ونـه ویریـدل او پـه پـوره میړانـه اوغـیرت یـې دصـندوقونو پـه لور ورودانګل او دهیـواد دزعـیم پـه ټـاکلو کـې یـې ونـډه واخیسته. دحامد کـرزي دټـاکلو سـره سـم دهیـواد پـه هـره برخـه کــې دسـولي او امنیـت دټینګولـو اوبیـا رغـاوني کارونـه پیـل شـول اوتریـوي انـدازي دهیـواد دپـرمختګ په لور خوځښت رامنځته شو

پـه څرګنـده سـره ویـلاي شـو چـې دافغانـانو دا کـار د هیـواد دپـرمختګ پـه لـور یومثبـت ګـام و چـې پورتـه شـو اوهیـواد یـې نـور د خپـل منځـي او تپـل شـویو جګـړو لـه ناوړین څخه وژغوره.

داچـې اوس بیـا هـم ددانـي یـوي آزمـوینې پـه درشـل کـې یـو چـې داولسـي جرګـي اوولایتـي شـوراګانو ټـول ټـاکنوکې دي قرارلـرواوورځ پــه ورځ ورنــږدي کیـږو، نوڅرګنده ده چـې هیـواد بیـا د افغانـانو میـړاني تـه اړتیـا لري او هغـه پـه ټولټـاکنوکې ونـډه اخیسـتنه ده، لازمـه ده، چې یوځـل بیـا دهیـواد دسـوکاله اوپرمختللـي راتلـوونکې پـه موخـه دانتخابـاتو صـندوقونو تـه لاړشـو اوخپلـي رایـي هغـه چاتـه ورډالي کـړو، چـې پـه صـداقت اوایمـان داري سـره ددي مظلـوم هیـواد لپـاره دخـدمت جوګـه شـي اودهیواد پـه بیـا رغونـه کـې پیـاوړي ګامونـه پورتـه کـړي. لـه قـومي، نـژادي او هـرډول کینـې پرتـه دیومـوټی افغانسـتان پـه جوړولـوکې لسـتونې راونغـاړي. نـور دچاپـه غلطو وعدو بانـدي ونـه غولیـږي. دخپلـو کـارونو پـه سـرته رسـولوکې جـدي اوځـانګړي ګامونـه پورتـه کـړی، ځکـه چـی ددي هیـواد وګـړي جګـړو دژوندانـه پـه هـره برخـه کې خپلي، بـې کـوره شـوي، بهرتـه مهـاجر شـوي اوچـاهم دجګـړو پـه مهـال کـې دخپـل وجـود غـړی اویـاهم دکـورنې غـړي یـې لـه لاسـه ورکـړي دي .لـه بلـي خـوا اقتصـادي سـتونزو داسـي لـه پښـو غورځـولي چـې دبیګـاه اوسبا پـر ډوډی حیـران دي. نولـه هرڅـه مخکـې دوي ددي هیـواد ودانـول او پـه خپـل ژونـد کـې بسـاینه غـواړي نـور د جګـړو څخـه سـتومانه شـوي او دسـوله ییز ژوندانـه پـه راوسـتوکې هـر راز خـان ښنـدنې تـه چمتـو دي.

ذبیح الله اتل

مطالعهٔ مقایسه یی قوانین انتخابات در افغانستان ایران و پاکستان

قسمت دوم

محمد نسیم فقیری

پیوسته به گذشته: همچنین طبق مادهٔ ۶۲ قانون اساسی پاکستان، اعضای مجلس شورا (پارلمان) باید دارای شرایط زیر باشند:

- از تبعهٔ پاکستان

- حد اقل ۲۵ سال عمر برای مجلس نمایندگان و سی سال برای سنا

-درج نام در یکی از فهرست های انتخابی به حیث رأی دهنده

-دارای کردار نیک و عدم شهرت به انحراف از احکام اسلام

-علم به تعلیمات اسلامی و پابند به فرایض و اجتناب کننده از کبایر

-آگاه، پارسا، صادق و امین و نه فاسق

-عدم محکومیت به رذایل اخلاقی و یا شهادت دروغ و...

تعداد نمایندگان

در افغانستان: طبق حکم مادهٔ هشتاد و سوم قانون اساسی کشور "تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حد اکثر دو صد و پنجاه نفر می باشد."

مادهٔ نزدهم قانون انتخابات تعداد کرسی های ولسی جرگه را ۲۴۹ می داند که ده کرسی آن برای کوچی ها اختصاص یافته است. طبق قانون: "نفوس مجموعی ولایات بر ۲۳۹ کرسی اختصاص داده شده بالای ولایات تقسیم می شود تا سهمیهٔ نفوس برای یک کرسی معین شود و نفوس هر ولایت به سهمیهٔ نفوس برای یک کرسی، تقسیم می شود."

در ایران: مادهٔ دوم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران: "عدهٔ نمایندگان مجلس شورای اسلامی را دو صد و نود نفر می داند که افزایش تعداد آن بر اساس مادهٔ ۶۴ قانون اساسی خواهد بود."

طبق تبصرهٔ این ماده، از تعداد کل نمایندگان پنج نفر مربوط به اقلیت های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی می باشد.

در پاکستان: طبق حکم فقرهٔ اول مادهٔ ۵۱ قانون اساسی پاکستان، تعداد مجموعی اعضای اسامبلهٔ ملی به شمول کرسی های اختصاص یافته به خانم ها و غیر مسلمانان ۳۴۲ می باشد که بنا بر تناسب نفوس بیشترین رقم به ایالت پنجاب اختصاص یافته است یعنی ۱۸۳ کرسی.

مطابق حکم مادهٔ ۲۲۲ قانون اساسی، اسامبلهٔ ملی می تواند تعداد کرسی ها را قبل از انتخابات مشخص نماید.

همچنین از مجموع کرسی های یاد شده به تعداد ده کرسی به نمایندگان اقلیت ها اختصاص یافته است ولی با این تفاوت که برای انتخاب این نمایندگان، تمام کشور یک حوزهٔ انتخابی می باشد.

تعداد حوزه ها

در افغانستان: طبق حکم فقرهٔ اول مادهٔ یازدهم قانون انتخابات: "حوزهٔ انتخاباتی برای ولسی جرگه، ولایت می باشد برای کوچی ها تمام قلمرو کشور یک حوزه پنداشته می شود."

پس در شرایط حاضر که افغانستان دارای ۳۴ ولایت است دارای ۳۴ حوزهٔ انتخاباتی نیز می باشد.

در ایران: طبق اصلاحیه قانون اصلاح جدول حوزه های انتخابیهٔ مجلس شورای اسلامی (به نقل از روزنامهٔ رسمی شماره ۱۵۹۷۶ مؤرخ ۱۳۷۸/۱۰/۷ تعداد مجموع حوزه های انتخابیه جمعاً ۲۰۷ حوزه می باشد که از آن جمله استان تهران دارای هفت حوزه و ۳۷ نماینده و شهرهای

مردم ولایت کابل در حالی که ۳۳ نماینده باید در ولسی جرگه داشته باشند و هر یک از نمایندگان مذکور به صورت مساوی نمایندهٔ همه مردم ولایت کابل می باشند ولی رأی دهندگان مجبورند تا فقط به یک نفر مورد نظر رأی بدهند. اما مردم شهر تهران حق دارند تا هر کدام از جمع صدها کاندیدا به سی نفر رأی بدهند و بدین ترتیب از حق کامل رأی دهی بهره مند می باشند

تهران، تبریز، مشهد و اصفهان به ترتیب ۳۰، ۶، ۵ و ۵ کرسی دارند.

اما تفاوت سیستم انتخابات در افغانستان و ایران این است که مردم افغانستان فقط یک حق رأی دارند. به طور مثال مردم ولایت کابل در حالی که ۳۳ نماینده باید در ولسی جرگه داشته باشند و هر یک از نمایندگان مذکور به صورت مساوی نمایندهٔ همه مردم ولایت کابل می باشند ولی رأی دهندگان مجبورند تا فقط به یک نفر مورد نظر رأی بدهند. اما مردم شهر تهران حق دارند تا هر کدام از جمع صدها کاندیدا به سی نفر رأی بدهند و بدین ترتیب از حق کامل رأی دهی بهره مند می باشند.

محمد نواز شریف نخست وزیر پاکستان در هر انتخابات حد اقل در دو حوزهٔ (ملی و ایالتی) نامزد می بود و در هر دو برنده! و پس از تشکیل نخستین اجلاس اسامبلهٔ ملی به محاسبهٔ تعداد موافقان و مخالفان خویش می پرداخت و هرگاه شانس برای احراز پست صدارت را می داشت، کرسی ایالتی را از دست می داد و هرگاه این احتمال وجود نمی داشت پس کرسی اسامبلهٔ ملی را از دست می داد و کرسی شورای ولایتی را حفظ می کرد

در پاکستان: طبق حکم فقرهٔ چهارم مادهٔ ۵۱ قانون اساسی پاکستان، برای هر کرسی اسامبلهٔ ملی (۲۷۲ کرسی غیر اختصاصی) یک حوزهٔ انتخابی در نظر گرفته شده است و نماینده با رأی مستقیم و آزاد برگزیده می شود.

بنا بر این ایالت پنجاب در اسامبلهٔ ملی دارای ۱۴۸ نماینده، ایالت سند ۶۱ نماینده، ایالت سرحد ۳۵ نماینده، ایالت بلوچستان ۱۴ نماینده، مناطق قبایلی ۱۲ نماینده و پایتخت دارای دو نماینده می باشد.

تفاوت سیستم انتخابات پاکستان با افغانستان این است که ایالت ها، منطقه ها و حتی شهرهای بزرگ و کوچک به حوزه ها تقسیم شده است و هر حوزه فقط یک نماینده را به شورا می فرستد.

پس سیستم انتخاباتی ما در یک حوزه و در یک مورد دیگر با پاکستان - تقریباً - همگونی دارد:

-مانند ایران هر حوزه دارای بیشتر از یک کرسی و بیشتر از یک نماینده است.

-مانند پاکستان هر رأی دهنده فقط یک رأی دارد و به یک نفر باید رأی بدهد.

محدودیت برای کاندیداها

در افغانستان: فقرهٔ چهارم مادهٔ پانزدهم قانون انتخابات می گوید: "هیچ شخص نمی تواند در عین زمان به حیث کاندید در بیش از یک حوزهٔ انتخاباتی خود را کاندید نماید.

در ایران: تبصرهٔ دوم مادهٔ نهم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی می گوید: هیچ یک از داوطلبان نمایندگی نمی توانند در بیش از یک حوزهٔ انتخابیه خود را نامزد نمایند. در غیر این صورت نامزدی آن ها کاملاً باطل و از شرکت در انتخابات آن دورهٔ مجلس محروم می گردند.

در پاکستان: اما در پاکستان وضع طور دیگری است. طبق بند اول مادهٔ ۲۲۳ قانون اساسی هر شخص می تواند در بیش از یک حوزه نامزد گردد، خواه در یک شورا (اسامبلهٔ ملی یا شورای ولایتی) و یا در هر دو شورا (در یک حوزهٔ ملی و در یک حوزهٔ ولایتی). ولی هرگاه او در بیش از یک حوزه برنده گردد، پس مکلف است تا در مدت زمان ۳۰ روز از اعلان نتایج حوزهٔ آخری، از نمایندگی سایر حوزه ها استعفا بدهد.

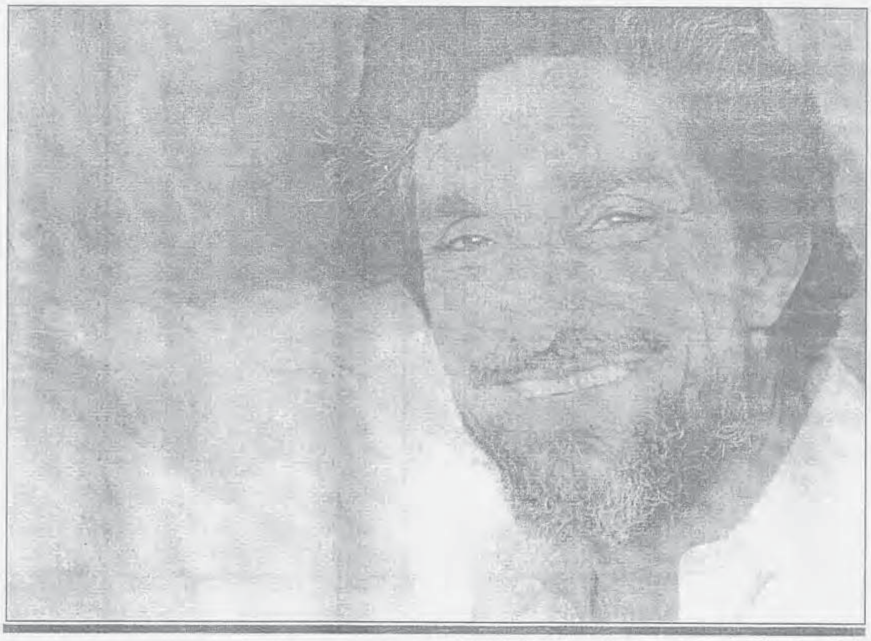
بنا بر این هر گاه یک نامزد در بیش از یک حوزه انتخاب شود، فقط یک کرسی را برای خود نگه می دارد و از متباقی استعفا می دهد.

تجربه نشان داده است که عدم اطمینان و یا نمایش قدرت انگیزهٔ اصلی نامزدی در بیش از یک حوزه است و یک مسألهٔ مهم دیگر امکان تصاحب یک کرسی بزرگ است. به طور مثال محمد نواز شریف نخست وزیر پاکستان در هر انتخابات حد اقل در دو حوزهٔ (ملی و ایالتی) نامزد می بود و در هر دو برنده! و پس از تشکیل نخستین اجلاس اسامبلهٔ ملی به محاسبهٔ تعداد موافقان و مخالفان خویش می پرداخت و هرگاه شانس برای احراز پست صدارت را می داشت، کرسی ایالتی را از دست می داد و هرگاه این احتمال وجود نمی داشت پس کرسی اسامبلهٔ ملی را از دست می داد و کرسی شورای ولایتی را حفظ می کرد تا وزیر اعلی شود.

ادامه دارد

از شیوه های مدیریت مسعود

پوهنمل سید عنایت الله شاداب



ماندگاری ملت ها در تاریخ ثبات و تداوم منظومه های فکری در گذر روزگار، در گرو نوابغ و شخصیت هایی است که با آفرینش حماسه ها و کارنامه هایی در عرصه های مختلف زندگی، رهچراغ هایی را فرا راه نسل های آینده می گذارند تا با استفاده از شرینی ها و تلخی های چنین تجاربی نمایشگر تداوم زندگی و پیمودن نردبان تکامل آن باشند.

ملت ما به حیث یک ملت بزرگ در تاریخ دور و دراز خویش قهرمانان و رجال بزرگی را در دامان خود پرورانیده و بزرگ مام این ملت هرگز از زایش قهرمان ها و ابر مردان بی بهره نبوده است که وجود رجال بزرگ و قهرمان ها در عرصه های رزم وبزم و دین و دانش در تاریخ این کشور گواه راستین است بر آنچه گفته آمد.

قهرمانی و شخصیت استثنایی احمدشاه مسعود و زندگی او را در پهنهٔ چنین یک بینشی می توان به خوانش گرفت. مسعود با آن که یک ابر مرد نظامی و نظریه پرداز عرصهٔ جنگ های چریکی به حساب می رود و کارنامه های رزمی او برای ملت های پامال تجاوز در استرداد آزادی و طرد تجاوز رهنمون خوبی خواهد بود. شایستگی های او در سائر عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی نیز از

او با اتخاذ مواضع لازم در مرحله های حساس تاریخ این کشور برتری خویش را برای مردم اثبات و نیز در اقناع شخصیت مطرح در دائرهٔ رهبری جهاد و مقاومت ید طولایی داشت

مواردی است که باید در محراق توجه پژوهشگران شخصیت استثنایی او قرار گیرد.

یکی از این ویژگی ها که به حق باید توجه پژوهشگران را به خود جلب نماید مدیریت و رهبری اوست.

از آن جا که رهبری وسیلهٔ رشد و تکامل در جوامع بشری و مجموعه های انسانی و ملت ها بوده و جوامع فاقد رهبری همواره دستخوش لجام گسیختگی ها و بی نظمی ها در درازای تاریخ بوده است، باید شخصیت هایی که در موقف رهبری یک جامعه قرار می گیرند، از شایستگی هایی ویژه برخوردار باشند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- جلب اعتماد مردم
۲- ارایهٔ برتری در اتخاذ تصامیم لازم
۳- اقناع عملی شخصیت های مطرح در دائرهٔ رهبری

مسعود با برخورداری از این ویژگی ها توانست اعتماد مردم را در حالت های حساس جلب نماید و با گذشت زمان واجد کارزمایی به خصوص گشت.

او با اتخاذ مواضع لازم در مرحله های حساس تاریخ این کشور برتری خویش را برای مردم اثبات و نیز در اقناع شخصیت های مطرح در دائرهٔ رهبری جهاد و مقاومت ید طولایی داشت.

بدین مناسبت بی جا نخواهد بود به برخی خاطره هایی اشاره کنم که بعد از برقراری دولت مجاهدین در کابل در صحبت هایی از وی به یاد می آید:

او باری در سال ۱۳۷۲ در مناسبتی به من گفت: من در مجالس سیاسی از ابراز نظر احساس ضعف می کردم، تصمیم گرفتم که این نقیصه را جبران کنم. برای این کار برنامه ریزی کردم بدین طریق که اول باید موضوع قابل بحث در مجلس را قبل از شروع جلسه از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهم و برایش منطق درست پیدا کنم، همین کار را شروع کردم و یک موضوع را چندین بار از جهات مختلف مورد بررسی قرار می دادم و بعداً در مجلس آن را مطرح می کردم و از آن دفاع می نمودم تا دیگران نیز قانع می شدند.

مسعود را عادت بر این بود که در مجالسی که رهبران - چه در سطح سازمان و چه در سطح رهبران جهادی - قرار می داشتند، موضوع مورد نظرش را خود طرح نکند و آن را از طریق یکی از دوستان و همفکران خویش مطرح نماید وبعداً از آن با منطقی که قبلاً برایش در نظر گرفته شده بود دفاع کند تا مورد قبول همه اعضای مجلس قرار گیرد.

او منطق موضوع مورد بحث در مجلس را با در نظر داشت روحیهٔ اعضای مجلس تنظیم می نمود. به گونه نمونه او در سال ۱۳۷۲ زمانی که تعدادی از بردران مجاهد را در امنیت ملی به خاطر اتخاذ تصامیم پیرامون بحران صفحات شمال جمع نموده بود از چنین روشی کار گرفت.

مسعود عادت داشت که بعد از طرح موضوع و بیان اهمیت آن نخست نظر اعضای مجلس را می نید. به همین اساس او در مجلس یاد شده نخست نظرهای مسالمت جویانهٔ اعضای مجلس را برخلاف مواضع سختگیرانهٔ آنان در دوران جهاد شنید وبعداً با استناد به باورهای اعتقادی آنان در آن مرحلهٔ خاص همه را در موضع تدافعی قرار داد و موضوع مورد نظر را از تأیید اعضای ملجس گذرانید.

خاطرهٔ دیگری که می خواهم در این راستا بدان اشاره شود یکی از جلساتی است که در سال ۱۳۷۸ به خاطر آمدن هیأتی از جلسه قبرس دائر گردیده بود تا آن هیأت برنامهٔ خود را به شورای رهبری جبههٔ متحد تشریح نماید.

مسعود با درکی که از تضاد آ.ا در مجلس شورای رهبری جبههٔ متحد داشت روشی به خصوصی در این جلسه اتخاذ نمود.

او بر خلاف روش معمول خود که ارائهٔ گزارش از نقاط قوت و ضعف جبهات جنگ بود، نخست بعد از تدویر مجلس یکی از موضوعات فقهی مورد اختلاف را در مجلس مطرح نمود و از رهبری جلسه که شامل استاد ربانی و استاد سیاف بود، خواهان نظر شد.

آنان با آن که آرای فقها را ارایه می کردند نظر نهایی را ارائه نکردند.

او با ارائهٔ نظر مفتی به که از کتاب "فقه السنه" سید سابق روایت می کرد مجلس را در وضع دیگری قرار داد و با پایان بخشیدن به این پرده، بحث اعضای جلسه بر اصل موضوع تمرکز یافت و منشی جلسه را توظیف کردند که با استفاده از نظرهای طرح شده در مجلس فیصله یی را تقدیم هیأت نماید.

نکته یی اساسی که در این راستا باید بدان پرداخت این است که همان گونه که مسعود در رهبری جبهات نظامی و رزمی خود را رهبر بلا منازع قلمداد کرد، در رهبری جبههٔ متحد و دولت اسلامی با وصف آن که استاد رهبری دولت اسلامی را به عهده داشت - نیز با استفاده از تجارب به خصوص خود نردبان تکامل رهبری را پیمود.

وضعیت جبهات جهاد به فرماندهی مسعود در سال ۱۳۶۰

در نامه یی از او به استاد

جمعیت اسلامی افغانستان

امارت پروان

دانشمند معظم استاد صاحب، رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

السلام علیکم!

از خداوند صحت کامل و موفقیت دارین تان را نیازمندم. از طرف ما لله الحمد خیریت بوده و برادران همه خدمت تان سلام و احترامات تقدیم می دارند.

کریم الله خان و انجنیر سید احمد خان مع الخیر به پنجشیر تشریف آورده و راجع به نظرات و هدایات تان صحبت کردند. در حصه باید توضیح بدهم که از لطف پروردگار کارها مطابق نظرات شما تحت اجراء است و پیشرفت های سریعی در تنظیم و وحدت بخشیدن صفوف به عمل آمده است. وضع اندراب خوب است، دو گروپ معه پرسونل کافی جهت تنظیم به اشکمش رفته و مصروف خدمت هستند. یک تعداد زیاد از قوماندانان حزب اسلامی و گروه های مقاومت دولت در شهر بغلان با ما در تماس شده، دست به کار شده اند. یک گروپ در انجمن و اسکازر است و مصروف آمادگی برای شروع جنگ می باشد. گروپ برای دفاع تگاب، پرشغان ارسال شده و مصروف کار می باشند. به سایر مناطقی که تحت پلان و نقشه قرار دارند، تا پایگاه هایی در آنجاها ایجاد گردد هم اعزام شده و کارها بر وفق مراد است. متأسفانه حزب اسلامی با درک این موضوع که اکثر افراد شان به جمعیت تمایل پیدا کرده، دست به تلاش بی ثمر زده و هر طرف دامنهٔ جنگ ها را وسعت می بخشند. چندی قبل حزبی های کوهستان بالای معاون سرشار و سایر گروپ های خوب که مخفی با ما در تماس شده بودند حمله نموده، سرشار صاحب را مهاجر ساختند. ما مجبوراً جهت دفاع از برادران جمعیتی به کوهستان گروپ فرستادیم و مناطق بولغین، آرام غی و سنجن را از حزب گرفتیم.

جمعاً در حدود دوصد میل سلاح حزب در دسترس ما قرار گرفته و جنگ ها به شدت ادامه دارد.

سارنوال رؤوف به مجرد رسیدن به غوربند بدون دلیل دست به حمله زد ص۲

الگوی شهامت ها

از میر بهادر واصفی

های! ای افغانستان! ای رشک فروردین برین
ای میهن خاک تو بر انگشتر خاورنگین

ای خروشان رودبارت حلقه بند آفتاب
بر فروزان مرغزارت ماه باشد خوشه چین

بزم خلقت در تو سحری بسته است بتوان که گفت
قلب وروح آسیا، گنجینهٔ روی زمین

ای زغیرت در فضایت پرفشان باز و عقاب
وی زهمت در هوایت موج زن عشق متین

قطره قطره آب تو در بحر جان گوهر سراغ
ذره ذره خاک تو درکان دل در ثمین

از تفاخر کرده کهسارتو سر بر آسمان
بام دنیا شهره گردیده به ادوار وسنین

ای دیار مهتران! ای مأمن آزادگان
ای معلی سرزمین، ای کشور مرد آفرین

میهن خورشید پوش رستخیز نوریان
خطهٔ پاک علمداران فرهنگ مهین

در مشام جان نسیمت عطر همت می دمد
مجد جوشد از هوایت، بادت آزادی طنین

مهد مولانای رومی، خاکِ پاکِ بوعلی
زادگاه رادمردان شهیر راستین

سرزمین احمد و محمود و مسعود کبیر
پرورشگاه عقابان بلندای زمین

زاده ات در حفظ تو همواره باشد سرفراز
دشمن و بدخواه تو، همواره ات سربرزمین

سلحشوران تو در رزم و مصاف دشمنان
کرده اند از قهرمانی کفهٔ تاریخ وزین

از دواحمدشاه نام تو بگردون است بلند
زان جهان بان امانت، این جهان بین امین

بانی عزوجلال وشان واورنگت شد آن
حارس فروشکوه و دین و فرهنگ شد این

این که احمد شاه مسعود است نام نامی اش
دایهٔ گردون نجسته رادمردی اینچنین

پنجشیر مرد زایت را چنین سحرالعجب
نی به روم و آسیا باشد نه در اقصای چین

شیر شمشیر وقلم، اسطورهٔ رزم و جهاد
فخرالگوی شهامتها سپهسالار دین

پر درایت، پرحصافت، پرتدبر، پردها
بحرهمت، کان غیرت، مهر دل، کوهِ یقین

عشق در بنیاد او، چون گُرد آزادی ستیز
خلق او با خلعت اخلاق رحمانی عجین

آنکه تا پا در رکاب حسبناالله کرده است
شد نصیب وی به استکباریان فتح مبین

شب چو از خورشید رایش دور گردید آفتاب
صبح تا آمد بفتحش خواند صدها آفرین

از شگفت کارش، شب را کلک صبح اندردهان
وزشنفت نصرت او صبح و شب در پسین

جهل و ظلمت را که باشد دشمنی بر علم و نور
تیره اندیشان شب بودند او را در کمین

وای وصد افسوس و واویلا دریغا حسرتا
حکمِ تقدیر و قضا صاحب قران راشد قرین

ریخت در پای تو خون آفتاب ای وطن
خدعه و مکر و فسون زنگیان کید و کین

شد شهید راه یزدان این امیر عشق حق
یار بادا روز حشر او را شفیع العالمین

همچو مادر گرم در آغوش نازخویش گیر
در رهٔ حفظ تو رفت آن شاهباز خاورین

ای زعیم ملک ایمان، قاید راه نجات
آیهٔ فخر و شهادت، ای امام صادقین

مونس اشراق سوزت، عاشقان وعارفان
مشعر ابعاد دردت، عالمان و عاقلین

نه سپهر آرزو را، شد کواکب اشک شمع
هفت اقلیم خرد درماتمت باشد حزین

قدسان را عرش خاطر است بیت الحزن
نوریان را لوح جان زنگار غم کرده غمین

داغداران را زداغت داغها شد خون چکان
سینه ریشان را به زخمش نشتری شد جاگزین

شد سیه پوشت به عالم، ملک ملک و شهر شهر
شد فغان خیزت بگردون، ده به ده روی زمین

در حریم خاطرات طرفه مردان جهان
رخش اعزاز تو است تا روز محشر زیر زین

واه! ای مسعود! ای نور وفروغ دیدگان
ای کیاستها و رایت، خلق را دز حصین

دفتر میهن مشعشع، از شعاع بینشت
صفحهٔ تاریخ زیبکار وزشهکارت زرین

ما در ایام را قامت شود همچون هلال
تا به بار آرد دگر، همچون تو فرزند میهن

ای عجوزه شهسوار پای مردی و قیام
وی ستوده مردجنگ و صلح همچون فرودین

تانمرده روح آزادی بطبع زندگان
سنگرت داغ است ویا دت سبز نامت نامه چین

دل به خیزاب امل پهلو زند در بحر جان
جان به محراب ثنا از عشق گردد راه بین

تا بیابد لمعهٔ طور تو دارند عاشقان
تا ببیند مست صهبای تو باشد جاگزین

خاک تو آزادگشت و دشمنان سرکوب مرگ
دوستان بالند بنامت تا بروز آخرین

هرکه عشق فرد تو دارد، اهل بادش محیط
و آن که توزو درد تو دارد خدا بادش معین

واصفی از بارگاه حضرت رب الجلیل
روح پاکت را همی خواهد به صدر علیین

دو شعر از عزیز آریافر

صدای تو

امشب باز کوچه ها
صدای ترا می خوانند
با حنجره های بر تافته از سکوت و
خاموشی دیر
یا
صدای تو
تا درگاه خواب خفتگان شهر
رخنه می کند
کسی صدای ترا خواهد شنید؟
یا فقط خواب را از پهنه یی دیگر
پهلو خواهد زد
امشب باز
پنجره ها بیدار می شوند
و سروش روشن ناقوسی دگرگونه
پرده های شب را تکان می دهد
خدایا!
اگر بدین گونه شب را نهایتی هست
طلوع فردا
چگونه
واقع خواهد شد؟

تعویذ

چشم هایت ابری است
آبستن بارانی از آن گونه
که نا گاه
بر پهنهٔ تنهایی من
خواهد ریخت
تا تخمهٔ نهفتهٔ رنج هامان
به باروری نشیند
انسان، با اشک زاده می شود
با اشک پرورده می شود
با اشک، می میرد
و با اشک
دوباره زنده می شود
لبخند را نمی دانم
چگونه فرا گرفتیم؛
طلیعهٔ کوچکی را
بر ظلمات نا متناهی
که در مجادله یی نا برابر
به زهری خون آلود
مبدل می شود
غبار کدورتی که آسمان دلم را
مکدر می کند
از کدام سوی مغرب فرا می رسد؟
ای فرشتهٔ دریا زاد؛
شمشیر برندهٔ گردونهٔ دوار غربت
بیا و مرا به بیکرانه های دور ببر
آنجا که تنها دو نقطه یی باشیم
در پر کار هستی
با هم
در کنار هم
تو سراسر سرود خواهی بود
و من
سراپا خاطره یی
که یاد تو مدام تکرار خواهد شد.
نگاه کن!
چگونه، همه چیزی در گذر است
مهتابی که عشق را
در سایبان سیمین خوش
دیدار می کند
و دریایی که با خروش خونیش نورش
ساحل خوابیده را بیدار می کند.
وقتی چشم هایم گشوده شود
تمام زندگی را
تمام بود غم را با تو
در لحظهٔ پدرود
گریه می کنم
و آنگاه
گذرگاه های نا گزیر را
با تعویذ همشیر نامت
گذر خواهم کرد

دیگر آفتاب بر نمی خیزد

افسر رهبین

هلا پاسبانان دیرین جواب
چه آمد فرو بر سر آفتاب؟
چه آمد که گیتی سیاهی گرفت
شکوه خراسان تباهی گرفت
چه آمد که بی کاوه شد هوشتان
چه کس مشت زد بر بناگوشتان...
به جنگ آکه هنگام اندیشه نیست
بزن سر به سنگی اگر تیشه نیست
بدران بسی سینهٔ چاک چاک
که شاه جوانان فتاده به خاک
که شاه جوانان زمین گیر شد
شگفتا که یکدم چنین پیر شد
بگو، سر زگورش بر آرد پناه
که مهمان او می شود شیر شاه

***

پریدند هرسو سپهدارها
بکفتند سرها به دیوارها
سپاهان نهادند سرها به سنگ
کشیدند جیغ از گلوی تفنگ
همه مادران پاره کردند روی
جوان دختران توده کردند موی
پریشان به هر بام و در کودکان
گریستند همچون پدر مردگان...

***

بیا با من ای آسمان گریه کن
گل ولاله و ارغوان گریه کن
هلا بلبل بال و پرسوخته
به خاکستر آشیان گریه کن
تو ای ابرهندوکش خشمگین!
بیا و بکهدامنان گریه کن
زبگرام، آتش نشان ای چریک!
به پا خیز و تا تالقان گریه کن
زپامیر، ته شو به سوی هری
رو، از غور با بامیان گریه
به«سنگ بریده» برو سر به زن
به«دردنامه»، «ریگ روان» گریه کن
فروپاشی پور پولاد را
به آهنگ آهنگران گریه
نشسته به سوگ کلان پنجشیر
برو در برش«سنگران» گریه کن
که گوید به«عاصی» که با من کنون
نشین پای این پهلوان گریه کن
به«بازارک» افتاده آن یار، زار
برو بر مزارش خزان گریه کن
صدای دلاویز مسعود را
به هیهای های شبان گریه کن

باید داغ مذلت فقر را از جبین بزداییم

اشاره: یکشنبه ۲۱ سنبلهٔ سال روان هزار و چند محصل دختر و پسر از دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی کابل جهت حمایت از کاندیدایی واقف حکیمی به پارلمان در سالن مطبوعاتی میوند جمع آمدند، شماری از آنان در باب مسائل پارلمان سخنرانی کردند، واقف حکیمی نیز سخنانی در این همایش ایراد کرد، ما متن ویراستهٔ آن را جهت آگاهی جوانان بیشتر در این جا منتشر می کنیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله و الصلاه و السلام علی رسول الله

خواهران گرامی و برادران ارجمند، محصلان عزیز و همهٔ حاضران در این مجلس پر شکوه

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

هرچند من از پیش چیزهایی را برای گفتن در این همایش شکوهمند شما در ذهن آماده کرده بودم، ولی آنچه در سخنان خواهران و برادرانی که پیش از من سخنرانی کردند، آمد مرا بدان واداشت تا سخنرانی خویش را در سایهٔ گفته های این عزیزان شکل بدهم.

من در این جا می خواهم مکث هایی کوتاه برگفته های برادران و خواهرانی که پیش از من سخن گفتند داشته باشم فضای شاعرانه و هنرمندانهٔ این همایش، شعر و کنایات و ظرایف ادیبانه را با هنرمندی با مباحث سیاست و حقوق در آمیخته است، با آن که گفته اند زبان و شیوهٔ بیان سیاست و قانون به گونه یی باید باشد خالی از استعارات و کنایات شاعرانه و با زبان روشن و دقیق بیان شود، این فضای شاعرانه و هنرمندانه مرا واداشته است تا سخنانم را در این محفل با شعری از حافظ آغاز کنم:

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشگافیم و طرح نو در اندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش بر اندازیم

هرچند ادبیات امروزین جامعهٔ ما بر پایهٔ نیازهای جامعهٔ ما تغییر کرده است و حالا ما وارد فصل جدیدی شده ایم که لازم است دیگر از برانداختن ها دست برداریم و به سوی پرداختن ها و ساختن ها گام بگذاریم اما بر انداختن حافظ بی تردید با بر انداختن هایی که ما با آن مأنوس و آشنا هستیم فرق فراوان دارد. حافظ در این شعر از ما می خواهد که همهٔ نا بسامانی ها و همهٔ نا مطلوب ها را با عزم آهنین، استوار و امیدوار به افق های بلند از سر راه مان برداریم و همهٔ این ها را در نوردیدنی تلقی کنیم و در برابر کوه هایی از مشکلات و معضل ها و چالش ها به زانو ننشینیم و پیوسته در تلاش برای ایجاد طرح نو در زندگی باشیم.

حافظ از ما می خواهد که با چنین عزم آهنین وارد کارزار و کشاکش زندگی شویم زندگی یی که همهٔ هستی اش در گرو کشاکش و پویش و تلاش است، به سخن اقبال:

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

ما زنده بر آنیم که آرام نگیریم

وظایف و مسؤولیت های پارلمان

امروز سخن از پارلمان است می خواهم به عجاله و شتاب، چند مطلبی را در بارهٔ پارلمان افغانستان که قرار است در انتخابات روز ۲۷ سنبله یعنی چند روز بعد شکل پیدا بکند، یاد آور شوم. البته من پیرامون دموکراسی، عناصر دموکراسی، ارکان دموکراسی و جایگاه پارلمان در نظام دموکراسی حرفی ندارم؛ چون دوستانی که پیش از من سخنرانی نمودند ما شاء الله به طور شایسته و بایسته به بسیاری از آن ها پرداختند، بلکه می خواهم تنها در مورد پارلمان افغانستان بر اساس





پارلمان آیندهٔ افغانستان وظایف و مسؤولیت هایی فراوان دارد و یکی از وظایفش برنامه ریزی برای توسعهٔ افغانستان است. البته من نمی خواهم بگویم چنانچه دوستانم تذکر دادند پارلمان آیندهٔ افغانستان در یک شبانه روز، در یک ماه و یا یک سال و یا یک دورهٔ پارلمانی می تواند به همهٔ این آلام، رنج ها و بحران های مزمن و کمر شکن افغانستان پایان بخشد

***

یکی از موارد بسیار مهم و اساسی توسعه در تمام جوامع خاصتاً در افغانستان توجه به جوانان و نسل نو است؛ زیرا توجه به جوانان در افغانستان که بیشتر از ۶۰٪ جمعیت کشورمان را نسل جوان تشکیل می دهد، توجه به توسعه و سرافرازی و وارستگی و بالآخره توجه به نا وابسته بودن افغانستان است

قانون اساسی افغانستان سخن بگویم. پارلمان آیندهٔ افغانستان سه وظیفهٔ عمده دارد و استثناءً اولین پارلمان افغانستان چهاروظیفه دارد که عبارتند از:

۱–تقنین قانون گذاری

۲–اصلاحات در حکومت،

۳–نظارت و کنترل بر حکومت، بر برنامه ها و کارنامه های آن.

۴–وظیفهٔ چهارمی که استثناءً نخستین پارلمان افغانستان دارد، رأی دادن به اعضای نه گانهٔ دایمی ستره محکمه یا دیوان عالی قضای افغانستان است.

باید یاد آور شوم، هر کسی که بخواهد از وظایف و صلاحیت های پارلمان آگاهی داشته باشد باید مروری هرچند شتابان بر قانون اساسی افغانستان به ویژه دو فصل آن ـ وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور و فصل شورای ملی افغانستان با دو مجلس آن ولسی جرگه یا مجلس نمایندگان مردم و مشرانو جرگه یا مجلس سنا ـ نماید.

به باور من بر پایهٔ قانون اساسی افغانستان، پارلمان آیندهٔ کشور یکی از مقتدر ترین و با صلاحیت ترین پارلمان های جهان خواهد بود و به مقایسهٔ پارلمان های منطقه بی تردید با صلاحیت ترین و مقتدر ترین پارلمان در منطقه خواهد بود و نا گفته نباید گذاشت که این همه فضل در اقتدار و صلاحیت های بزرگ پارلمان بستگی به نمایندگان سرافراز و نمایندگان وارسته یی که در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی افغانستان به عنوان جناح مردمگرا نام برداشتند، بر می گردد و بنده نیز افتخار عضویت در این جمع را داشتم و به خود می بالم که در آن روزهای دشوار لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی عضویت چنین جناحی را داشتم. در این لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی دو جناح اقتدار گرا و جناح مردم گرا قرار داشتند و از خواست های عمدهٔ جناح مردم گرا این بود که باید بیشتر اقتدار مردم در دست خود مردم یعنی در دست پارلمان به عنوان نمایندگان مردم قرار بگیرد.

اگر دو نسخهٔ قانون اساسی افانستان، نسخهٔ مسود و نسخهٔ مصوب با هم مقایسه شود، فرق هایی بزرگ که با تصویب قانون اساسی در نسخهٔ مسود به وجود آمده، به روشنی آشکار می گردد.

قانون اساسی افغانستان که امروز راهکارهای زندگی سیاسی و اجتماعی افغانستان را ترسیم می کند، به باور من یکی از مترقی ترین و یکی از بهترین قانون های اساسی در جهان به ویژه در افغانستان به شمار می آید. البته این سخن به این معنا نیست که قانون اساسی افغانستان به عنوان یک کتاب منزل از آسمان دیگر هیچ نقدی را نپذیرد بلکه من باور دارم که قانون اساسی افغانستان دارای مواردی بسیار جدی است که قابل بحث و بررسی و نقد و انتقاد است و باید این گونه موارد بیشتر در مجالس روشنفکری مانند محفل امروزی ما و تجمع های دانشگاهی و صنف های درسی و سمینارها مورد بررسی قرار گیرد تا فرهنگ نقد و انتقاد پذیری به عنوان فرهنگ حاکم در جامعه در بالاترین سطح مسائل جامعه مانند مباحث قانون اساسی مطرح شود.

مسائل قابل طرح شدن در پارلمان

مسائلی زیاد برای طرح شدن در پارلمان آیندهٔ افغانستان وجود دارد مانند مسائل آموزش و پرورش و رشد و بالندگی فکری و سیاسی و اقتصادی و بپا ایستادن که این گونه مسائل باید در پارلمان آیندهٔ افغانستان به دور از احساسات و به دور از عواطف و شعارهای بلندگویانه و با تعقل و عقلانیت و با در نظر داشت واقعیت های تلخ و سنگین جامعهٔ افغانستان مورد بررسی قرار بگیرد و برای حل این گونه مسائل و معضل ها ما راهکارهای منطقی و واقع بینانه به دور از احساسات و به دور از تحجر و دنباله روی مطرح شود.

فقر و عقب ماندگی

مثلاً یکی از مسائلی که باید در پارلمان آیندهٔ افغانستان مطرح شود، مسألهٔ عقب ماندگی ذلت بار و شرم آور افغانستان است و چه بخواهیم و نخواهیم ملت افغانستان به عنوان یکی از ملت ها و جامعه های عقب مانده به حساب می آید. هرچند که ما به افتخارات پنجهزار ساله و بیش از پنجهزار سال خویش تکیه کنیم و یکایک افتخارات اجداد و نیاکان مان را برشماریم، سودی ندارد. چون ما در حالتی قرار داریم که داغ مذلت فقر و دریوزگی و دست تگدی دراز کردن به سوی دیگران بر جبین مان آشکار و هویداست و ما کشوری هستیم که بیشترینهٔ کارها و برنامه های زندگی ما بستگی به کمک و یاری دیگران دارد.

به این اساس پارلمان آیندهٔ افغانستان وظایف و مسؤولیت هایی فراوان دارد و یکی از وظایفش برنامه ریزی برای توسعهٔ افغانستان است. البته من نمی خواهم بگویم چنانچه دوستانم تذکر دادند پارلمان آیندهٔ افغانستان در یک شبانه روز، در یک ماه و یا یک سال و یا یک دورهٔ پارلمانی می تواند به همهٔ این آلام، رنج ها و بحران های مزمن و کمر شکن افغانستان پایان بخشد؛ چون هر یک ما و شما از وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورمان آگاه هستیم و باید با در نظر داشت واقعیت های تلخ و با در نظر داشت این همه ظرفیت های نا توان، برای یک آیندهٔ پر مجد و پر شکوه و آیندهٔ سرافراز با امید داشتن به کمک و یاری و نصرت پروردگار و با امید داشتن به توان و نیروی ملت بزرگ مان چشم بدوزیم و بدون شک ملت ما در صحنه های کارزار تاریخی اش پیوسته در طول تاریخ سرافراز به در آمده است اما آنچه که ملت ما را بعد از استقلال و آزادی پیهم باز به وابستگی کشانیده است، بی تردید و بدون شک وضعیت اسفبار عقب ماندگی در افغانستان است؛ زیرا کشوری که خودش نتواند نان و آبش را تهیه نماید و حتی آب آشامیدنی اش با وجود داشتن منابع بزرگ و سرشار آب از کشورهای دیگر تأمین گردد، چگونه می توان به استقلال و آزادی چنین کشوری چشم دوخت و شعار داد.

برای این که ما وجدان ملی و دینی، و جدان فرهنگ سرافرازانه وعیارانه مان را با واقعیت های امروزمان همگون بسازیم، باید مجدانه در پی توسعهٔ افغانستان باشیم و مهم ترین جایی که این مأمول را بر آورده سازد، بدون شک پارلمان است. و همچنان ما به یکبارگی شعار نمی دهیم که از کمک و یاری دیگران بی نیاز هستیم، بلکه ما در عرصه های امنیت، اقتصاد، بازسازی و توسعهٔ افغانستان به کمک های دیگران نیاز داریم ولی باید توجه داشته باشیم که فرهنگ کمک گرفتن و دریوزگی در افغانستان به عنوان فطرت ثانوی این ملت تسجیل نشود و ما نباید برای همیشه به عنوان دریوزه گر، دست تگدی به سوی خیرات و صدقات دیگران دراز کنیم.

حکومت افغانستان، پارلمان افغانستان و ملت افغانستان باید توجه داشته باشند که برای فقر زدایی، بیکاری و عدم اشتغال که تأمین همهٔ این ها از عناصر اساسی توسعه در تمام جوامع به ویژه در جامعهٔ افغانستان است، کمر ببندند و ما باید از ملت بزرگ ژاپن درس بگیریم؛ زیرا کشور ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم که انفجار دو بمب اتم ایالت متحدهٔ امریکا را در خود تجربه کرده و در اثر آن همهٔ هستی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اش به یغما رفته بود، بعد از این واقعه ژاپنیان تعهد سپردند که برای سرافراز ساختن کشورشان روزانه باید به جای شش یا ده ساعت کار هجده ساعت کار کنند. ما با تنبلی و کسالت و با متکی بودن به دیگران هرگز نمی توانیم تاج سرافرازی بر سر کنیم.

ما باید از دوستان بین المللی مان تشکر کنیم که در عرصه هایی زیاد به ما به عنوان کمک اخلاقی یاری رسانده اند اما، ما باید از این کمک ها به جای تهیهٔ نان و آب و کالاهای مصرفی بیشتر در جهت زیر ساخت های اقتصادی کشورمان کار بگیریم تا از مذلت فقر و بیچارگی و درماندگی نجات یابیم و به عنوان ملتی که همهٔ هنرش در گرفتن نیست در پهلوی جوامع دیگر بایستیم و رسالت ها و مسؤولیت های انسانی مان را ایفا نماییم.

جوانان و توسعه

همچنان یکی از موارد بسیار مهم و اساسی توسعه در تمام جوامع خاصتاً در افغانستان توجه به جوانان و نسل نو است؛ زیرا توجه به جوانان در افغانستان که بیشتر از ۶۰٪ جمعیت کشورمان را نسل جوان تشکیل می دهد، توجه به توسعه و سرافرازی و وارستگی و بالآخره توجه به نا وابسته بودن افغانستان است.

حکومت افغانستان به یاری پارلمان آیندهٔ کشور باید برای توسعهٔ این کشور در جهت توسعهٔ همه جانبهٔ نسل نو و جوانان برنامه های بسیار درست و دقیق و کارگذار را پی ریزی نماید و تنها با داشتن وزیری به نام وزیر جوانان و وزارتی به نام وزارت جوانان نمی توانیم به توسعهٔ جوانان دست یابیم بلکه توسعهٔ منابع انسانی و سرمایه گزاری در منابع انسانی از بزرگترین موارد توسعه در اقتصاد تلقی می شود بناءً باید به جوانان و توسعهٔ آنان توجه کرد.

متاسفانه برخی ها برای توسعهٔ افغانستان

الگوهای توسعهٔ برخی از کشورهایی را عرضه می کنند که با شرایط کشور ما سازگار نیست چانچه در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی برخی تأکید می کردند که تعلیم و تربیت بعد از دورهٔ ابتدائی، ثانوی و تحصیلات دانشگاهی شخصی سازی شود. این جا بود که ما و جمعی دیگر از نمایندگان جناح مردمگرا استدلال نمودیم که درست است خصوصی سازی تعلیم و تربیت در دوره های مختلف در جامعه هایی مانند ایالات متحدهٔ امریکا و انگلستان سودمند واقع شده باشد و بازده خوبی برای رشد اقتصادی جامعه داشته باشد اما در جامعه یی مانند افغانستان که بحران های کمرشکن و طولانی را پشت سرگذاشته است و همهٔ عرصه های زندگی اش واژگون و ویران شده است، هرگز این الگو نمی تواند کارگذار واقع شود این نظر جناح مردم گرا تحقق یافت و تصمیم بر این شد که باید در افغانستان تعلیمات ابتدائی و ثانوی و تحصیلات دانشگاهی را حکومت به گونهٔ یکسان برای همهٔ جوانان آماده کند و اگر ما برای توسعهٔ افغانستان امیدوار هستیم باید دولت افغانستان بیشترینه بودجهٔ خویش را در راه تعلیم و تربیت نسل جوان وقف نماید. مثلاً به یاد دارم که در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی افغانستان کسانی بودند که بر شخصی سازی تحصیلات دانشگاهی تأکید می ورزیدند مانند وزیر تحصیلات عالی آن زمان شریف فایض، برای تطبیق این برنامه پافشاری زیادی داشت و در استدلال بر گفته هایش مضامین بی معنا و بی نمکی را ارائه نمود و گفت: کیست که برای پرداختن فیس سالانه برای یک فرزندش پنج هزار دلار نداشته باشد!! این است عقل متخصص تحصیل کرده یی که دارای سند بلند دانشگاهی از کشوری مانند ایالات متحدهٔ امریکاست و چنین مسائلی را برای توسعهٔ افغانستان توصیه می نماید و پست های بزرگ اجرائی دولت افغانستان متأسفانه در اختیار چنین افرادی قرار می گیرد. شما فکر کنید اگر در قانون اساسی به گفتهٔ این آقا که از حمایت هم برخوردار بود

ص ۶

باید داغ مذلت فقر را از جبین ...

عمل می شد و تحصیلات در افغانستان خصوصی می شد امروز چند نفر از شما می توانستند در دانشگاه درس بخواند، من یقین دارم بیش از ۹۰ در صد جوانان افغانستان به گونهٔ خصوصی نمی توانند درس بخوانند. اما به اثر پافشاری های زیاد نمایندگان منتخب مردم افغانستان در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تسجیل شد که دولت مکلف است زمینه های تحصیلات دانشگاهی را به سان تعلیمات ابتدائی و ثانوی برای همگان تأمین نماید و بر اساس این مادهٔ قانون اساسی اگر دانشگاهی و مکتبی خصوصی تأسیس می شود، دولت مکلف است که سعی نماید تا کیفیت و ظرفیت مؤسسات تحصیلات عالی و معارف دولتی نسبت به کیفیت و ظرفیت مؤسسات خصوصی پائین تر نباشد تا یک بحران جدید عدم توازن و عدم تعادل در این دو بخش به وجود نیاید.

استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی

من پیشتر به استقلال اقتصادی و بالتبع به استقلال سیاسی اشاره کردم و این را کافی می دانم که بگویم، تا زمانی که ما نتوانیم نان و آب و دیگر نیازهای روز مرهٔ زندگی مان را خودمان تهیه کنیم، ما در تصمیم گیری های بزرگ ملی و بین المللی نقشی درست نمی توانیم بازی کنیم ولو ما شعارهای بزرگ را سربدهیم.

اگر خدای نخواسته از ما دوباره خواسته شود که کمر جهاد و مبارزه را در برابر اشغالگری بندیم، إن شاء الله از این کار هرگز کم نخواهیم آمد ولی استقلال سیاسی معنای دیگری و معنای فراتر از یک جنگ ملی و آزادی بخش را دارد. استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی می خواهد و استقلال اقتصادی. استقلال سیاسی، من نمی خواهم به این دو مقوله یی که توجه بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرده است که آیا استقلال سیاسی مقدم است یا استقلال اقتصادی، توسعهٔ سیاسی مقدم است یا توسعهٔ اقتصادی بپردازم ولی من به این باورم که توسعهٔ سیاسی و اقتصادی و استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی دو مقولهٔ به هم آمیخته و دو پدیده یی مرتبط به یک دیگر است که با توجه یکسان به هر دو می توان به سوی پیشرفت و توسعه گام برداشت. بناءً جوانان و متفکران ما باید به این دو پدیده توجه یکسان داشته باشند.

برای توسعهٔ اقتصادی که برای ما همچون توسعهٔ سیاسی مهم است، ما فرهنگ پر مایه وغنی برای ساختن یک جامعهٔ مرفه و سربلند داریم. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: **(الید العلیا خیر من الید السفلی)** دستی که صدقه می دهد و دستی که به دیگران می بخشد بهتر است از دستی که می گیرد ولی متأسفانه بیشتر سر و کار ما با تبیین فرهنگ گیرندگی است که ما چگونه بگیریم. البته نا گزیری ها و دشواری ها و مشکلاتی وجود دارد که ما را ناگزیر می سازد تا دست به کمک دیگران دراز کنیم اما در هزینه کردن و در مخارج این کمک هایی که به قیمت آبروی ما و به قیمت آبروی افغانستان به دست می آید باید دولت افغانستان توجه داشته باشد و در جایی آن را به مصرف برساند که دیگر آبروی ما برای گرفتن نریزد. ما به قیمت آبرومان چندین میلیارد دلار را از جهان کمک خواستیم و ما از آنان که برای ما سخاوتمندانه بخشودند، تشکر می کنم. چنانکه دیگران برای ما سخاوتمندانه کمک نمودند دولت ما هم این کمک ها را به گونه یی به مصرف رسانده است که هیچ گونه بازده متناسب در عرصهٔ توسعه و بازسازی به شکلی مشهود ندارد. بناءً ما به پارلمانی نیاز داریم که از یک سو برای حکومت برنامه ریزی کند و حکومت را یاری رساند و از سوی دیگر کارهای حکومت را بازنگری کند و صلاحیت بازنگری و ابراز طرح های کارآی و مفید را نیز داشته باشد و افغانستان باید پارلمان حسابخواه داشته باشد که بر پایهٔ قانون اساسی یکی از وظایف پارلمان حسابخواهی از حکومت است و حکومت را مو به مو و جو به جو در داراهایی که از افغانستان به وجود می آید و در داخل ساخته می شود و در دارایی هایی که به قیمت آبروی افغانستان به دست می آید، حساب کند.

من پیشتر به استقلال اقتصادی و بالتبع به استقلال سیاسی اشاره کردم و این را کافی می دانم که بگویم، تا زمانی که ما نتوانیم نان و آب و دیگر نیازهای روز مرهٔ زندگی مان را خودمان تهیه کنیم، ما در تصمیم گیری های بزرگ ملی و بین المللی نقشی درست نمی توانیم بازی کنیم ولو ما شعارهای بزرگ را سربدهیم

***

مطلب دیگری که باید پارلمان به آن بپردازد، پرداختن به فلسفهٔ جهاد و مقاومت است و ما باید بدانیم که جهاد یک جنگ بی هدف نیست چنانکه برخی از خاور شناسان مطرح می کنند، بلکه جهاد یک جنگ آزادی بخش و یک جنگی است که برای حفظ کرامت انسانی و عدالت و برابری و برادری بدان اقدام می شود

فلسفهٔ جهاد و مقاومت

مطلب دیگری که باید پارلمان به آن بپردازد، پرداختن به فلسفهٔ جهاد و مقاومت است و ما باید بدانیم که جهاد یک جنگ بی هدف نیست چنانکه برخی از خاور شناسان مطرح می کنند، بلکه جهاد یک جنگ آزادی بخش و یک جنگی است که برای حفظ کرامت انسانی و عدالت و برابری و برادری بدان اقدام می شود چنانچه آیه یی بسیار صریح در قرآن کریم است که فلسفهٔ جهاد را مشخص می سازد: **(و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا أخرجنا من هذه القریه الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً)** قرآن کریم آیات بسیاری در پیرامون تبیین فلسفهٔ جهاد دارد یا ذکر و ترجمه این آیه بسنده می کنم.

خداوند می فرماید: "چرا شما در راه خدا نمی جنگید، و در راه مردان، زنان و کودکان مستضعف که می گویند پروردگارا! ما را از این جامعهٔ ستمکار بیرون کن و از جانب خودت به ما یاوری و مددگاری بفرست."

این آیهٔ مبارک سنجش دقیقی را درمیان مجاهدان راستین و مجاهدان دروغین برای مان درمیان می گذارد و پارلمان آیندهٔ افغانستان باید به فلسفهٔ جهاد توجه کند. بدون شک جهاد نه جنگ سالاری است و نه مجاهدان جنگ سالاراند، البته مجاهدان راستین و مجاهدانی که منطبق به این آیهٔ مبارک عمل کرده اند!

من به گفتن جنگ سالار به شماری از کسانی که با تکیه به زور و تفنگ بر مردم ستم می کنند، مخالف نیستم، هرچند پرچم جهاد را نیز بر بام شان افراشته باشند اما به عنوان این که با علم کردن جنگ سالار و تفنگ سالار فرهنگ جهاد و مقاومت را خدشه دار نمایند و فرهنگ استقلال و آزادی افغانستان را زیر سؤال ببرند تا زمینه را برای فرهنگ تبعیت و دنباله روی و سرافگندگی مساعد سازند شدیداً مخالف هستم.

مسألهٔ زنان

مسألهٔ دیگری که پارلمان آیندهٔ افغانستان باید بدان توجه کند، مسألهٔ زنان در این کشور است که متأسفانه در شرایط کنونی افغانستان با سرنوشت زنان و مسائل زنان در برخی موارد بازی می شود و برخی برای این که زنان را متوجه خود بکنند، می خواهند آنان را فریب بدهند و آنها را غافل بسازند . بدون شک زنان در همهٔ جوامع بشری از ستمدیدگان تاریخ تلقی می شوند و در افغانستان هم زنان در طول تاریخ ستم هایی بزرگ را متحمل شده اند وحتا در برخی موارد این ستم ها بر زنان به نام دین تحمیل گردیده است در حالی که دامان دین از روا داشتن چنین ستم هایی بر انسانیت و خاصتاً بر زنان بری و پاک است ولی نباید برای نجات زنان از این ستم تاریخی آنان را به ستم دیگری کشاند. من چند سال پیش مقاله یی با عنوان "زنان در میان تحجر قدیم و تجدد نوین" نوشته و در آن تذکر داده بودم که زنان در همهٔ جوامع اسلامی خاصتاً در جامعهٔ افغانستان درمیان دو سنگ آرد می شوند، سنگ تحجر قدیم و سنگ تجدد نوین. من به این باور هستم که زن افغانستان زمانی می تواند در پهلوی زنان دیگر جهان به حقوق کامل انسانی و برابری واقعی و به سربلندی و رستگاری دست یابد که واقعاً جایگاهش را در فرهنگ اسلامی بیابد. متأسفانه در کشور ما در طول تاریخ به نام دین بر زنان جفاهایی شده است مثلاً چه کسی نمی داند که زن بالغ و رشید حق انتخاب همسرش و حق نپذیرفتن پیشنهادهای خانواده اش را در این زمینه دارد، ولی در کمتر مواردی متأسفانه به این ارزش دینی عمل می شود و حتا گاهی هم که بدان عمل می شود به عنوان یک ارزش وارداتی آن را به کار می برند و غالباً دانشمندان دینی ما و کسانی که خود را وابسته به دین می دانند، عارشان می آید که بگویند دختر ما یا خواهر ما حق انتخاب در ازدواج را دارد در حالی که این حق را خداوند برای زنان داده است و پیغمبرش نیز در این مورد تأکیدهایی زیاد کرده است. نصوص و آیات زیادی در این مورد وجود دارد که به خاطر جلوگیری از اطالهٔ کلام از آن اجتناب می کنم و این بحث را می گذارم به روزهای بعدی، اگر خدا خواسته باشد در روزها و فرصت هایی دیگر در این مورد بحث کنیم.

از مسائل دیگری که در مورد زنان قابل بحث است، مسألهٔ رفتن زنان به مسجد است. چون در کشور ما چنان تلقی می شود که گویا نماز که ستون دین است، تنها مخاطبش مردانند و از جملهٔ عبادات مذکر است و زنان در آن سهمی ندارند در حالی که ما حدیثی بسیار صریح از پیامبر صلی الله علیه وسلم در صحیح بخاری داریم که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: **(لا تمنعوا إماء الله مساجد الله)** یعنی از رفتن زنان به مساجد خدا جلوگیری، نکنید. در فقه حنفی - که یکی از مکتب های فقهی جامعه ساز به شمار می آید چون در دوران خلافت عباسی در بغداد حکومت کرده است، و پا به پای حکومت حرکت نموده و جامعه را مدیریت کرده است - به این مساله بسیار توجه شده است. ترتیب صفوف در نماز را همهٔ ما و شما می دانیم که اول بزرگسالان و بعد خورد سالان و در آخر زنان قرار می گیرند. این ترتیب از خود فلسفه یی دارد ولی به هر حال حضور زنان در مسجد باید تأمین گردد. ولی متأسفانه من در سراسر افغانستان زیاد ندیده ام که برای حضور زنان در مسجد جایی مشخص شده باشد با وجودی که در صحیح بخاری این حدیث صریح پیامبر را داریم.

به یادم می آید که چندین سال پیش به ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان رفتم که مرحوم خردمند یکی از قوماندهان مجاهدان مسجدی را بنا کرده بود، این مسجد دو بخش داشت، بخش زنانه و بخش مردانه که تقریباً ثلث آن برای زنان اختصاص داده شده بود و بخش زنان در تزئین و زیبایی اش از بخش مردان کمی نداشت و در آن جا عده یی از دانشمندان و عالمان دینی گردهم آمده بودند و هر یکی از ایشان از کارکردهای مرحوم خردمند یاد آوری می کردند. که برای مردم چاه آب حفر کرده و مکتب ساخته است ولی من برایش گفتم که هیچ از این کارهای تو برای من زیاد اهمیت ندارد ولی پس از یک مکث طولانی برایش گفتم که به جز از یک کار که برای حضور زنان در این مسجدی که اعمار کرده ای جای مشخص ساخته ای و این کار تو بدین معناست که گویا می خواهی بگویی که زنان هم حق دارند به مسجد بیایند و این کاری است که دیگران جرأت آن را ندارند و من نیز در سراسر افغانستان چنین کاری را تا هنوز ندیده ام، این جا بود که بحث و مناظره یی بزرگ به میان آمد و عده یی از علما استدلال نمودند که حالا وقت حضور زنان در مساجد نیست چون زمان، زمان فتنه است و از این قبیل دلایل را در دفاع از نظریه های شان ارائه کردند اما من برای آنان حدیثی را که برای شما خواندم، در آن جا خواندم و برای شان گفتم که پیامبر صلی الله علیه ولسلم چنان می گوید و شما چنین و بعد هم واقعهٔ مشاجره میان عبدالله بن عمر و عبیدالله بن عبدالله بن عمر را برای شان ذکر کردم که پسر عبدالله بن عمر (عبیدالله) پس از رحلت رسول الله گفته بود که بعد از این نمی گذارم که زنان خانواده ام به مسجد بروند در حالی که پدرش یک صحابی بزرگ بود، و این حدیث **(لاتمنعوا إماء الله مساجد الله)** برایش خواند و گفت که تو چطور در مقابل حدیث پیامبر ایستاد می شوی اما پسرش گفت: **(والله لأمنعهن)** "به خدا قسم که نمی گذارم شان" هرچندکه تو مخالف باشی همان بود که عبدالله بن عمر با پسرش مقاطعه کرد و تا زمانی که زنده بود، دیگر اجازه نداد که عبیدالله حتا به بالین مرگش وارد شود.

بناءً ما یک چنین بحث هایی را در فرهنگ اسلامی مان داریم ولی متأسفانه برخی از دانشمندان ما راه مخلص و نجات را در روی آوردن به فرهنگ های دیگران می دانند.

نباید بی توجه بود که فرهنگ غربی در اروپا خدمات بزرگی را برای تأمین حقوق همهٔ انسان ها خاصتا زنان انجام داده است مثلاً اگر ما وشما سری به تاریخ بزنیم و حالت زنان و حقوق بشر را در اروپا و حتی در پیش از جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم مورد مطالعه قرار بدهیم و همچنان حق مالکیت زنان و حق اشتغال آنان را در فرانسه و انگلستان ارزیابی نماییم به این نتیجه می رسیم که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر برای تأمین حقوق انسانی کارهایی بزرگ را انجام داده است اما آنچه را که من گفتم در لابلای فرهنگ اسلامی مان و در لابلای فرهنگ خود مان گفتم یعنی اگر ما خالصانه و صادقانه به فرهنگ اسلامی مان روی بیاوریم به یقین می توانم بگویم که این کار ما را از روی آوردن به بسیاری از منابع دیگر بی نیاز می سازد.

فرهنگ برادری و وحدت ملی

مطلبی دیگری که پارلمان آیندهٔ افغانستان باید به آن توجه نماید، ایجاد فرهنگ برادری و برابری در افغانستان است که یکی از عوامل عقب ماندگی کشورمان عدم حضور فرهنگ برادری به شمار می آید و بسیاری ها می گویند که ما با فلان کشور استقلال مان را در یک زمان به دست آورده ایم، پس باید پرسید چرا ما از هند، پاکستان وحتی تاجیکستان عقب ماندیم؟ به باور من علت بزرگ عقب ماندگی کشورما عقب ماندگی سیاسی و عقب ماندگی اجتماعی است چون ما نتوانستیم که یک ملت به معنای ملت را ایجاد کنیم، ما نتوانستیم وحدت ملی را به معنای واقعی آن تأمین نماییم؛ چون حکومت های معاصر افغانستان به جای تأمین وحدت ملی و بر مبنای برابری و فرهنگ برادری در پی تأمین وحدت ملی فزیکی بوده اند یعنی وحدت ملی یی که با شمشیر و سر نیزه وبا تفنگ باید تأمین شود و به معنای دیگر وحدت ملی یی که با شیوهٔ عبدالرحمان خانی و نادر خانی تأمین شود.

نا گفته نباید گذاشت که جامعهٔ انسانی متشکل از افراد انسانی است که هر یک از افراد آن دارای خصوصیات ویژهٔ خودشان هستند و وحدت ملی با گذاشتن انبوهی از سنگ ها در پهلوی هم به وجود نمی آید بلکه برای تأمین وحدت ملی و تشکیل جامعهٔ انسانی باید روان افراد جامعهٔ انسانی را تسخیر کرد و باید در بدن های متفاوت جامعهٔ انسانی و جامعهٔ افغانستان یک روح همگانی را دمید که بر پایهٔ عدالت، برابری و در زیر سقف بزرگ فرهنگ برادری شکل بگیرد ولی متأسفانه دولت های معاصر افغانستان چنانکه پیشتر گفتم بر پایهٔ استبداد و خودکامگی بنا یافته بودند وحدت ملی را شعار دادند اما در عمل راه تفرق و چندگانگی و مخاصمت را درمیان مردم افغانستان جستند و همین بود که وحدت ملی در این کشور تأمین نشد.

بدون شک عامل عقب ماندگی ما مرهون دستاوردهای سیاه و تاریک دیروزمان است که دولت های معاصر برای تأمین وحدت ملی و تسلیم شدن به انتخاب و گزینش مردم نپرداختند. بناءً اگر نمایندگان پارلمان آیندهٔ افغانستان منصفانه و بی طرفانه انتخاب شوند، من یقین دارم که پارلمان آیندهٔ افغانستان راه حل هایی را برای ترقی و پیشرفت و پاسخ به دردها و رنج های مردم روی دست قرار خواهد داد. و باور دارم که تفوق طلبی های قومی و سمتی راه حل برای بحران های این کشور نیست. چنان که برای تفوق طلبی پشتونی رأی منفی می دهیم، برای تفوق طلبی تاجیکی و اوزبیکی وهزارگی و... نیز باید رأی منفی بدهیم.

در آخر دربارهٔ خودم برای تان بگویم چنان که می دانید من یکی از کاندیداهای ولسی جرگه می باشم که اگر به یاری و نصرت پروردگار و سپس رأی و همکاری شما به پارلمان راه یافتم، با چنین تکیه گاه ها و با چنین اندیشه هایی عمل خواهم کرد و این را برای تان بگویم که من شعارهای بزرگی را مانند ساختن جاده و شهر و خانه و... که از وظیفهٔ پارلمان نیست، برای تان عنوان نمی کنم ولی این تعهد را برای تان می سپارم که اگر به پارلمان راه یافتم با شما خواهم بود و از خداوند متعال سپاسگزارم که مرا توفیق داد در این همایش شما شرکت ورزم و از همهٔ ملت افغانستان اظهار امتنان می کنم که فرزندان سرافراز شان را در هیچ دشواری یی تنها نگذاشتند و یقین دارم که شما نیز ما را در این کارزار تنها نمی گذارید من می توانم ادعا کنم که اگر تا کنون نتوانستم خدمتی را برای این ملت انجام بدهم، به یقین مرتکب هیچ گونه خیانت و جنایتی در برابر آن نیز نشده ام و از خداوند متعال به التجا می خواهم که مرا توفیق ایستادن در پهلوی شما و حمایت از منافع شما نصیب کند و هیچ گونه تهدید ثروت، زور و تفنگ به کارهایم سایه نیفگند و مرا در برابر شما سر افگنده نسازد.

به امید سرافرازی افغانستان و به امید وحدت ملی راستین و به امید کامگاری همه و با تشکر از گردانندگان این مجلس پر شکوه سخنانم را با این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم (فلیبلغ الشاهد منکم الغائب) که "حاضران مجلس غائبان را آگاه سازند" به پایان می رسانم.

از همهٔ شما سپاسگزار و متشکرم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

قهرمان ملی فراتر از یک لقب



محمد نسیم فقیری

در مورد شخصیت و جهاد قهرمان ملی افغانستان، بسیار گفته و نوشته شده است که هنوز کم و ناکافی است ولی آنچه که مسلم است، جایگاه رفیع این شهید گرامی در تاریخ کشور قهرمان پرور ماست.

بدون شک مسعود در دل های اکثر مردم این سرزمین و سایر مسلمانان و آزادی خواهان گیتی جای دارد و همه نام و یاد و خاطرهٔ حماسه های ماندگار او را در طی سال های جهاد و مقاومت، گرامی می دارند و همچنین دولت افغانستان نیز به طور شایسته لقب قهرمان ملی را به این شخصیت بزرگ - پس از شهادت - داده است ولی آنچه که تا هنوز روشن نیست؛ تعریف، فایده وامتیازات این لقب است!

آیا بهتر نبود تا حین اعطای این لقب و یا بعد از آن هدایت داده می شد که:

۱- عکس قهرمان ملی به صورت رسمی در تمام ادارات دولتی در کنار عکس رئیس جمهور قرار داده شود.

ولی امروز تاجایی که دیده می شود؛ رؤسای ادارات بنا بر علاقه ویا صوابدید شخصی، عکس قهرمان ملی را در دیوار و یا روی میز کار قرار می دهند ویا نمی دهند!

۲- در یکی از مواد قانون اساسی کشور و حد اقل لازم بود تا در مقدمهٔ آن و حین تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور از این شهید والا مقام و قهرمان ملی با عزت و افتخار تمام، نام برده می شد.

۳- بزرگ ترین آموزشگاه واکادمی نظامی کشور به نام قهرمان ملی یعنی اکادمی نظامی شهید احمد شاه مسعود باید ایجاد و نام گذاری می شد.

۴- در کتب درسی و به خصوص تاریخ معاصر افغانستان در مورد شخصیت و حماسه های او مطالبی گنجانیده شود.

۵- با حفظ احترام و ارج گذاری به مقام شامخ سایر شهدا و قهرمانان معرکه های جهاد و مقاومت، قهرمان ملی افغانستان یک لقب منحصر به فرد است و نباید اصطلاح نادرست قهرمانان ملی رواج بیابد. لازم بود تا به صورت صریح این قید و حصر تذکر داده می شد.

۶- عالی ترین نشان دولتی به نام قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود نام گذاری و به شخصیت های شایسته و درخشان نشان داده می شد.

بدون شک مسعود در دل های اکثر مردم این سرزمین و سایر مسلمانان و آزادی خواهان گیتی جای دارد و همه نام و یاد و خاطرهٔ حماسه های ماندگار او را در طی سال های جهاد و مقاومت، گرامی می دارند

با حفظ احترام و ارج گذاری به مقام شامخ سایر شهدا و قهرمانان معرکه های جهاد و مقاومت، قهرمان ملی افغانستان یک لقب منحصر به فرد است و نباید اصطلاح نادرست قهرمانان ملی رواج بیابد

و شاید ده ها مطلب دیگر و بهتر و گویاتر از این و آن داشته باشد که بتواند ضرورت تعریف و توضیح امتیازات و منحصر به فرد بودن لقب قهرمان ملی را برجسته سازد و به قانون مند شدن آن یاری رساند.

به این امید که در چهارمین سالگرد شهادت قهرمان ملی، این بزرگ مرد تاریخ کشور، مأمول یاد شده، بر آورده گردد.

وضعیت جبهات جهاد به فرماندهی مسعود در ...

و فعلاً جنگ شدیداً در حصهٔ هیر در جریان است. از سبب پیوستن معلم حیات الله مشهور به هشتن قومندان حزب به جمعیت جنگ در ساحات دشت چاریکار و جبل السراج شروع است.

از لطف پروردگار بعد از اتحاد با منصور آقا که فعلاً در پنجشیر تشریف آورده اند، جنگ ها در سمت شمال کاملاً خاتمه یافت و حال در نظر داریم تا مشترکاً با منصور آقا تمام احزاب را در چند پایگاه مورد نظر خلع سلاح و تحت یک قوماندهٔ واحد قرار خواهیم داد.

انشاء الله به یقین شما را اطمینان داده می توانیم که اگر توجه کنید و درخواست های مان را بر آورده سازید، بعد از دو سه ماه جمعیت بزرگترین پایگاه را در داخل افغانستان خواهد داشت.

خواهشات مان قرار ذیل است:

۱- در حصهٔ توزیع سلاح به مناطق پروان - کاپیسا یک دفتر تحت نظر کریم الله خان و برای توزیع سلاح برای ولایت بغلان و تخار دفتر جداگانه یی ترتیب و هر موقعی که سلاح و مهمات اجرا می شود یک کاپی از مقدار اسلحه و مهمات به ما ارسال شود، تا ما کنترل کنیم که اسلحه و مهمات در کجا به کار رفته است.

۲- اسلحه یی که من برای پایگاه ها قبلاً خواستار شده بودم، باید هرچه عاجل تر در دسترس ما قرار گیرد و مشخص در مکتوب بنویسید که فلان تعداد اسلحه مربوط به فلان پایگاه است.

۳- از دادن امرهای فوق العاده به سرگروپ و قوماندانان جداً خودداری شود. امر های فوق العاده قطعاً به درد خور نیست و سبب پراگندگی هرچه بیشتر کارها می شود.

۴- ما در تمام پایگاه های جدید التشکیل به پول اشد ضرورت داریم. لطفاً یک مقدار پول کافی برای مان بفرستید که مصارف از حد زیاد است.

شاید چندی بعد شورایی از دوازده ولایت راجع به انحلال جمعیت و[ایجاد] اتحاد [در] پاکستان در پنجشیر یا محل دیگری ترتیب شود. لطفاً نظر خود را در قسمت بفرستید تا کارها هماهنگ شوند.

در حصهٔ وحدت داخل کشور کارها جریان دارد و در کارها از لطف پروردگار پیشرفت غیر منتظره یی صورت گرفته که بعداً به سمع تان خواهم رسانید.

حسن خان کروخیل از مدت ها قبل با ما در ارتباط بود. حال تعهدنامهٔ خود را فرستاده و بیزاری خود را از حزب افندی (سید احمد گیلانی) ابراز داشته است. به مشورهٔ من تعداد زیادی از افراد جمعیت را داخل پوسته ها ساخته و در باز نگهداشتن راه ها همیشه به اساس نظر من اجراآت کرده است. نمایندهٔ وی به پیشاور می آید، امید ایشان را نوازش کرده و در قدم اول سی میل کلاشینکوف و یک میک راکت برایش بدهید و نیز نامه یی به حسن خان نوشته و ایشان را تشویق نمایید. ان شاء الله نتیجه را بعدها خواهید دید.

با تقدیم احترام

مسعود

۱۳۶۰/۵/۱۰

بر گرفته از کتاب "نامه هایی از مسعود بزرگ"

چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور در کابل و پنجشیر ...

بعدا حامد کرزی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان پیرامون فضیلت شهادت وحماسه آفرینی های ملت مجاهد افغانستان صحبت نموده گفتند: نزد ما کلمهٔ شهادت نهایت مبارک بوده ودر فرهنگ اسلامی وملی ما جایگاه والا دارد. همه دیدیم که فرزندان راستین ومومن این سرزمین با روحیه عالی وطن دوستی، غرور ملی وباور به مزایای دنیوی واخروی شهادت، به زور ایمان مردانه وار برسنگرهای اشغالگران تاختند ودر هر معرکه پیروزی نصیب مجاهدان غیور ما می گردید.

جهاد حماسه آفرین ومقاومت قهرمانانهٔ تاریخ این سرزمین را سر از نورقم زد ومردم مارا صاحب سرنوشت واختیار خود نمود.

رئیس جمهور گفتند: این پیروزی رایگان به دست نیامده، هزاران جوان خون خویش را ریختند وهزاران دیگر گمنام خفتند تاما شاهد پیروزی شدیم. قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود بدون شک در تاریخ جهاد افغانستان یک چهرهٔ قهرمان وکامیاب است که بعداً به عنوان محور مقاومت تبارز کرد.

رئیس جمهور در قسمتی از سخنان شان گفتند: شهید مسعود آرزو وخیالات تروریستان وحمایت گران خارجی آنان را درگرفتن افغانستان با آب یکسان ساخت، دشمنان تحمل اورا نداشتند، شهیدش کردند، مگر با آنهم به اهداف ناپاک شان نرسیدند دوستان مسعود وهموطنان شجاع اش دشمنان وطن را شکست دادند وافغانان صاحب کشور شان شدند ودیار مسعود ماندگار باقی خواهد ماند.

درین محفل بعد از رئیس جمهور کشور، مارشال محمد قسیم فهیم یکی از یاران وهمسنگران نزدیک قهرمان ملی نیز به ایراد سخنرانی پرداخت که باکف زدن و شعار دادن نعره های تکبیر از طرف حاضرین بدرقه گردید.

مارشال فهیم درقسمتی از سخنانش گفت: مسعود دارای خط فکری وحرکت برنامه ریزی شده بود او نه تنها فرمانده میدان نبرد بود بلکه آرمان ومقاصدی را دنبال می کرد که عمدتا در چهار محور(حفظ ارزش ها وهویت اسلامی مردم افغانستان،وحدت ملی، متعهد به آزادی کشور وایجاد نظام مشارکتی مبنی بر ارادهٔ مردم) خلاصه می شود.

مارشال فهیم اضافه نمود: تشکیل حکومت موقت، تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی وتدوین آن، تدویر انتخابات وایجاد دولت نیرومند وسرانجام باز سازی کشور از جمله اهداف مبارزاتی شهید احمد شاه مسعود بود.

مارشال محمد قسیم فهیم در قسمت اخیر از سخنانش به عنوان توصیه به حاضرین محفل گفت که، گذشته را به گذشته واگذاریم وروی حال و آینده باید فکر کرد.

درین محفل پیر سید احمد گیلانی رهبر محاذ ملی وصدیقه بلخی وزیر شهداء ومعلولین واحمد ولی مسعود برادر شهید مسعود نیز صحبت نمودند که متن سخنرانی احمد ولی مسعود را در این شماره می خوانید.

محفل با گذاشتن اکلیل های گل توسط رئیس جمهور، مارشال فهیم،استاد سیاف، سید احمد گیلانی، وزراء، سفرا ونهادهای دولتی واجتماعی در پای منار نمونه یی جهاد ومقاومت پایان یافت.

همچنان گزارشگر مجاهد از پنجشیر گزارش داد که به تاریخ ۱۹ سنبله چهارمین سالگشت شهادت قهرمان ملی افغانستان با اشتراک هزاران تن از مهمانان خارجی و داخلی از سراسر کشور در آن ولایت برگزار گردید.

مراسم با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز و سپس سرود ملی کشور نواخته شد. بعداً احمد ولی مسعود سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در لندن به نیابت از خانواده قهرمان ملی و مردم ولایت پنجشیر مهمانان را خوش آمدید گفت و یاد آور شد که مردم افغانستان درراه داعیهٔ برحق شان که مورد قبول و تائید جامعه بین المللی نیز قرار داشت بیش از دو ملیون تن از فرزندان شان را قربانی دادند، در حالیکه داعیه بر حق آنها مورد قبول جهانیان بوده لازم نیست تا این کارزار را جنگ داخلی عنوان کنند و به مجاهدین و فرماندهان شان جنگ سالار خطاب کنند.

احمدولی مسعود افزود: نمونه های این گونه جنگ ها در انقلاب کبیر فرانسه و جنگ های شمال و جنوب در امریکا نیز به وقوع پیوسته و تا امروز مردم این دو کشور از پایان هردو حادثه با قدر دانی یاد می کنند.

موصوف خاطر نشان ساخت، شکی نیست که در افغانستان تعدادی دست به ظلم و تعدی زدند و ناروایی های را مرتکب شدند ولی یکسان سازی این موضوع نادرست است.

او گفت: در حالیکه مردم افغانستان در برابر دو تجاوز پاسخ داده اند، جنگ داخلی خواندن این جنگها بی انصافی است، زیرا مردم ما ناگزیر در هردو مورد به دفاع از جان و شرف و آزادی و استقلال کشور شان جنگیده اند.

وی از کشور های خارجی درخواست نمود تا کمک های شان را در راه بازسازی افغانستان و استقرار صلح و ثبات در کشور ما ادامه بدهند.

رابرت نیومن سفیر کبیر کشور ایالات متحده امریکا از سخنران دیگر این همایش بود.

سفیر کبیر نیومن ضمن سپاسگذاری از مهمان نوازی های مردم پنجشیر، رشادت و دلاوری های آنان را در برابر ارتش سرخ و طالبان ستوده وآنرا نمونه مثال خواند و یاد آور شد که حالا دوران جنگها پایان یافته و فرصت بازسازی افغانستان فرا رسیده است.

وی از پروژه هایی ید کرد که به کمک مردم امریکا در پنجشیر در دست اجرا است و او هزینه این پروژه ها را به ۳۲ ملیون دالر تخمین زد.

نامبرده خاطر نشان ساخت که دولت امریکابرای جلب اعتماد مردم افغانستان می کوشد و اظهار امیدواری نمود تا انتخابات در افغانستان با موفقیت به پایان برسد.

سپس سفیر کبیر کشور انگلستان در کابل سخنرانی نمود و گفت که افتخار دارد در مراسم ارجگذاری به قهرمان ملی مردم افغانستان در پنجشیر شرکت می کند.

موصوف همچنان علاوه کرد که ما امروز گرد هم آمده ایم تا از قهرمان ملی افغانستان یاد کنیم که هدفش تأمین صلح و ثبات بود و ما باید امروز آرمان اورا بر اورده سازیم.

نامبرده افزود که کشورش در آوردن صلح و امنیت در افغانستان کمک می کند.

همچنان سفیر کبیر کشور جاپان در کابل نیز از سخنرانان این محفل بود. وی گفت که از نظر تاریخی احمد شاه مسعود نقش مهمی در مبارزه علیه دشمنان وطنش بازی کرده است.

وی یادآور شدکه لازم است تا نیروهای محلی برنامه های شان را در جهت خدمت به مردم بسیج سازند و مانند احمد شاه مسعود به تعهدات خود نسبت به مردم کشور عمل کنند.

متعاقباً ستر جنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع، مولوی اسدالله از ولایت پکتیکا و چند تن دیگر به ترتیب سخنرانی نمودند و طی صحبت های شان از فضایل و مواصفات قهرمان ملی افغانستان یاد کردند.

محفل با دعائیه و آرزوی استقرار صلح و امنیت و رفاه مردم افغانستان پایان یافت.

گفتند و ...

"شاه امان الله و مشروطه خواهان پس از پیروزی بر دشمن و تحصیل استقلال کشور و امضای موافقت نامهٔ راولپندی در ۸ اگست و بعد از توشیح شاه امان الله در ۱۸ اگست مطابق ۲۸ اسد را روز استقلال شناختند".

در این جا مشخص نیست که استاد محترم سیستانی در این ادعا به کدام سند است. در متن قرار داد صلح راولپندی که میان علی احمد خان و سرهملتن گرانت به امضا رسیده، هیچ شرطی مبنی بر این که این قرار داد بعد از توشیح پادشاهان دوطرف مورد اعتبار خواهد بود و یا سند بعد از اعلان در پایتخت های دو طرف رسمیت خواهد یافت دیده نمی شود و مؤرخان هم در این خصوص هیچ چیزی ننوشته اند برعکس مادهٔ اول این قرارداد می گوید:

از روز امضا شدن این معاهده، فیمابین دولت بهیهٔ بریتانیه بر یک طرف و دولت افغانستان به طرف دیگر مصالحت خواهد بود.

از این ماده مشخص است که روز ۸ اگست روزی است که این قرارداد نافذ گردیده و توشیح شاه افغانستان هیچ نقشی در رسمیت بخشیدن آن نداشته وبه همین علت در هیچ یک از کتب تاریخ دراین مورد چیزی نیامده است. اشارهٔ خود نویسندهٔ محترم به تصویب مجلس شورای ملی با موافقهٔ مجلس اعیان در ۱۰ حوت ۱۳۱۵ که می گوید: تاریخ استقلال در برج اسد هم مستند به یک وقایع تاریخی استقلال نبوده است...تأیید همین نظراست.

اما در جواب این سوال یا بهتر بگوییم معما که نویسندهٔ محترم از من پرسیده اند ۶ جوزا را چرا به عنوان روز استقلال تجلیل می کرده اند باید بگویم که یا اخ الفاضل! خودت بهتر می دانی اما نمی خواهی بزرگان جشن بگیر را ازخویش آزرده سازی و حرف دلت را به وسیلهٔ من می گویی! اما من نیز به همین دلیل در جواب به دیگری استناد می کنم تا به نوبهٔ خود جشن بگیران ۶ جوزا را به خشم اندر نسازم. بعضی از اهل تحقیق از جمله ابوطالوت منصور البغلانی متولد فی عام الف و ثلانه و ثلاثون را در کتابش (تذکرة الاشقیاء فی احوال الامراء و الاغنیا) نظر این باشد که اندر این روز شاه امان الله خان بیچاره خاک افغانستان را ترک گفته و راهی کشور هند بریتانوی شدند. همان گونه که من و جناب شما سال ها بعد به همان خاک که اینک پاکستانش خوانند مهاجر شدیم. منتها مارا شانس دیدار مجدد وطن در تقدیر بود و او را این حسرت به دل باقی ماند! جسد او را به افغانستان آوردند.

شش جوزا را رندان به همین دلیل روز استقلال خواندندی. عجب استقلالی!!

محو بی سوادی، به حرکت همگانی نیاز دارد

عبدا العلی کوهی

بی سوادی معضل بزرگ کشور ماست؛ زیرا به هیچ وجه آن را نمی توان از مسائل کلی رشد و توسعه و بالأخص از مسألهٔ اساسی تغییر شالوده های اقتصادی و اجتماعی جدا ساخت.

اگر کشورما بخواهد در جهت رفاه و رشد قدم بردارد، راه درمان آن ریشه کن ساختن بی سوادی است، انسان در پرتو سود است که بهتر، جامعه پذیر می گردد و به هنجارهای جامعه احترام می گذارد، به جای کجروی راه درست را در پیش می گیرد و با این کار خود هزینه های گزاف را از دوش دولت بر می دارد؛ بلکه با همکاری با دولت چرخ اقتصادی کشور را به حرکت در می آورد و آبادانی و رشد و شگوفایی را به ارمغان می آورد.

شاید چنین تصور گردد که این کار دشوار گذار خواهد بود، اما بدون تردید، خواستن توانستن است. تجربه نشان داده است، کشور هایی که برای ریشه کن کردن این آفت اجتماعی بسیج شده اند، به زودی موفق گردیده اند. اتحاد شوروی پیشین، الجزائر، چین و کوبا در این راستا موفق بوده اند. بر طبق شواهد مورد اطمینان کوبایی ها در سال ۱۹۶۱م فقط ظرف چند ماه بی سوادی را ریشه کن کردند یک صد و بیست هزار فرد داوطلب در این راه بسیج گردیدند و اینان همراه با یک صد و پنج هزار دانش آموز، بیست هزار کارگر به عنوان معلمان داو طلب برای رسیدن به هدف فوق وارد عمل گردیدند.

قبل از پایان سال، اختتام مبارزه به طور رسمی اعلان شد که در آن زمان بیش از هفت صد هزار از بزرگ سالان خواندن و نوشتن را فرا گرفته بودند و نسبت بی سوادان از ۲۳ در صد به کمتر از ۴ در صد کاهش یافت. اگر زیاد دور نرویم می توانیم، نهضت سواد آموزی در ایران را الگو قرار دهیم و از این سفرهٔ آماده بهره بگیریم و از تخربیات، کتاب ها و کادر آموزشی آنها استفاده ببریم که در این صورت می توانیم موفق شویم و به زودی بی سوادی را از جامعهٔ خود ریشه کن نماییم.

سازمان های بین المللی مانند یونسکو و متخصصان آموزش و پرورش عقیده دارند که بالا بودن سطح آموزش و میزان با سوادی درمیان مردم به ویژه در کشورهای در حال رشد، مایهٔ اصلی و شرط لازم رشد و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

این امر خود مسؤولیت نهاد آموزش و پرورش را افزایش می دهد و بر دولت است که در جهت گسترش آموزش همگانی و سواد آموزی و برقراری آموزش در سطح عالی اقدامات لازم را به عمل آورد و سرمایه گذاری مناسبی در این زمینه ها انجام دهد. در افغانستان میزان بی سوادی در حدی است که نمی توان از کنار آن بی تفاوت گذشت. ظرف دو دهه و بیشتر از آن در کشور فعالیت هایی به نام سواد آموزی وجود داشته است و یک معینیت در چوکات وزارت معارف نیز وجود دارد که نه تنها میزان بی سوادی کاهش نیافته است؛ بلکه بر میزان بی سوادی افزوده است. کمونیزم جنگی ملیون ها انسان را بیسواد نمود. زیرا از بی سوادی آن ها به نفع خود استفاده هایی فراوان می بردند، یکی از وظایف عمدهٔ نظام طالبانی بی سواد سازی مردم بوده است، همین اکنون در محلات و مناطقی که به طور نسبی طالبان در آن دخالت دارند، همه روزه وهمه ساله نسبت به سایر ولایات بر کمیت بی سوادان افزوده می شود. محل سواد آموزی، مدرسه و مکاتب وغیره به آتش کشیده می شود.

از سوی دیگر فعالیت های سواد آموزی دولت فقط در سطح شهرهای بزرگ خلاصه می شود، و آنچه در خور مردم داده می شود، جز تبلیغات چیز دیگری بوده نمی تواند، حتی در شهر کابل سالانه فقر، تنگدستی، بی سرپرستی خانواده ها از اشخاص نان آور، دیده می شود که پسران در مراهق و حتی بالاتر از آن به کارهای طاقت فرسا رو می آورند و اگر احیاناً برای آنها کار و مزد میسر نشود ترجیح می دهند، تا دست به گدایی بزنند تا چند قرص نان به دست آورند. جریان سواد آموزی در افغانستان به یک مبارزه و نهضت همگانی نیاز دارد، دولت به تنهایی نمی تواند این بار عظیم را به دوش کشد، بلکه توده های داو طلب، جوانان با عزم، آحاد و افراد خیر جامعه، تجار ملی باید در این راستا بسیج گردند و یک انقلاب فرهنگی را تحت پوشش دولت به راه اندازند، در غیر آن نه تنها میزان بی سوادی در کشور کاهش نخواهد یافت، بلکه سالانه به این میزان افزوده خواهد شد.

مسعود به هیچ قوم وطایفه یی بسته نیست بلکه به همهٔ افغانستان ...

امروز این به خوبی هویداست، پیروان صدیق مسعود آنانی اند که رابطه ی معنوی، اندیشه ای و اخلاقی باوی داشته ودارند، نه فقط رابطه ی همزیستی وهمکاری و همرزمی.

محور شخصیت مسعود معنوی بود و معنویت در تار وپود وجودش جان گرفته بود. پاکبازی، فداکاری، تواضع عدالت پسندی، جوانمردی، عهد به وفا، مقاومت، این همه وهمه سجایا، از معنویت وی سرچشمه می گرفت. خدمت به مردم محور تفکر سیاسی وی بود ودر سیاست، داشتن دیدگاه ها، برنامه ها، دوراندیشی، ثابت قدم بودن و استقرار فکری، دلیل قطعی موفقیت وی می گشت.

این دیگر روشن است که امروزه ی افغانستان مدیون قربانی های، میلیونی مبارزین ومجاهدین راه آزادی، عدالت، عزت وشرف این کشور می باشد. پس چرا ما افتخاراتی راکه در بیش از دو دهه نصیب ملت افغانستان گردیده است، بدست خود محو می نماییم. ومردم وتاریخ خودرا فاقد یگانه هویت می سازیم.

در حالی که جهان به تأثیرات جهادومقاومت افغانستان در شکل گیری سیاسی، جغرافیایی و ساختاری خود اعتراف می نمایند، این چه رمزیست که عده ی به قضایا چنان افراطی گونه نظر می اندازند که باید چنان کنند.

این نوع برداشت ها و تبلیغات از هویت وتاریخ افتخار آفرین ملت ما می کاهد. واما آن داستان تلخ وجانکاه مردم است که با پرداخت سنگینی به دست آمده است ونباید به این ارزانی از دست برود.

دیروز که هزاران تروریست و مهاجم خاک کشور رادر اشغال داشت وفقط آنسوترک خواجه بهاوالدین وپنجشیر آزاد بود.

دیروز که حلقاتی وحتی کشورهایی در سخاوتمندی بر گروه های تروریستی پیش دستی می کردند وفقط آنسو ترک بود که با خرچ روزانه ی خود دست و پا میزد.

آن دیروزها را جنگ داخلی می نامیم.

واما امروز که به فضل خدا، کل خاک وهم کل جهان با ماست وفقط این سو را جنگ جهانی ضد تروریزم اعلام نموده ایم. این گونه برداشت واین گونه قضاوت دور از انصاف وعدل نیست؟!...

زمانی در لابلای کتابچه های یادداشت آمر صاحب شهید مرور می نمایم، دریک دنیای دیگر داخل می شوم. دنیای رنج ها، مرارت ها، گرسنگی ها، بی خوابی ها، کوه به کوه و دره به دره دویدن ها و مقاومت ها و حماسه آفرینی ها، گاهی از هجوم شمال می گوید وزمانی هم از فریب جنوب. گاهی خودرا به ملامت می گیرد و زمانی بازهم خودرا. از رود خانه ای به رودخانه ای می رود ومی رزمد وپایگاه سازی می کند وکتاب می خواند و می اندیشد. گویی افغانستان مانند کوهی برپشتش نهاده شده است وباید این بار را بکشد وبه سرمنزل مقصودش برساند.

تصمیم قاطع واراده ی آهنین وعزم راسخ واحساس عجیب وی تسبت به سرنوشت مردمان سرزمینش قطعاً در یاد داشت هایش برجسته می باشد.

مسعود، رهبری بود از مردم برخاسته، بارنج ودرد مردم بزرگ شد وبا همان رنج ها زندگی را وداع گفت.

جایی می گوید: « به خدا قسم زمانی احترام ومحبت مردم را بخود می بینم، از فرط خجالت، عرق برپیشانی ام می آید ونمی دانم که چطور به این مردم باسپاس وقدردانی ادای دین نمایم»

قهرمان ملی ما سرانجام باخون خود ادای دین می نماید. محبت خود را در قلب ها نهادینه می سازد، نامش یادگار زمانه می گردد وعشقش به وطن در حافظه ای تاریخ سپاریده می شود. شهید مسعود با یک عالم ارزو برای مردم افغانستان بازندگی وداع می گوید.

شما ملت باسپاس وراهروان صدیق مسعود، حال با شماست که باوی چه می کنید؟

مسعود شهید جسماً از شما جدا گردید، اما روحاً وفکراً با شماست.

شما مردم آزاده ی افغانستان در هر جایی که باشید، مسعود از آن شماست و شما وارثین حقیقی راه مسعود هستید.

شما بنیان گذاران افغانستان امروز می باشید. حال برشماست که این بنیاد نورا باطرح ومشخصه ی مسعود شهید که عدالت، پاکی، آزادی، انسانیت، عزت وسرفرازیست محکم می سازید وعمق مکتب فکری وی را نهادینه می نمایید ویا فقط رابطه ی بده بستان بر قرار می نمایید.

بیاد داشته باشید، مسعود اگر مسعود شد، فقط به خاطر جنگ آوری وجسارت و جرأتش نبود، بلکه بیشتر، اندیشه واخلاق و وفا به عهد وپاکبازی ورفتارش بود که در قلب ها جا گرفت.

به قول یک عالم غربی، « مسعود، مردی که وادار به جنگیدن شد تا از ملت ومردم خود دفاع نماید. ولی از نفس جنگ بیزار بود واز ورای آن به خود جویای منافع سیاسی نبود. وبا این روحیه ی مشفقانه قدرت سیاسی متعادل را فقط برای خدمت به مردم خود در نظر داشت».

اگر امروز مسعود نیست، نامش با شماست.

اگر خودش از شما دور است، روحش وروانش با شماست

شما وارث مسعود هستید، شما نام مسعود هستید،

شماروح مسعود هستید، شماراه مسعود هستید.

پس مسعود زنده است وزنده نگاهداشتن مسعود، پیروی از اخلاق، اندیشه وتفکرات مسعود شهید می باشد:

امید وارم که ادامه ی راه قهرمان ملی در حد یک تجلیل ویک کنفرانس ویک شب شعر باقی نماند، بلکه راهگشایی باشد برای امروز وفردای افغانستان.

شهید مسعود برای افغانستان ومردمش صلح آرزو داشت، ثبات می خواست آبرومندی وعزت تمنا داشت، بازسازی، قانونمندی وعدالت آرزومندی قلبی وی بود. اجازه دهید دراخیر یک نقل قولی از قهرمان ملی کشور در مورد رابطه ی افغانستان وجهان نمایم. می گفت « مادر کشور خود طرفدار نظامی هستیم که هم باخود بتوانیم زندگی نماییم وهم با جامعه ی بین المللی»

در اخیر در حالی که بروح تمام شهدای راه خدا، وطن ومردم یکبار دیگر درود می فرستیم ، بهشت برین جای همه شهدای افغانستان باد.

وخدا وند یاد ومددگار همه تان باد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است برجریده ی عالم دوام ما

از روز جهانی سواد تجلیل به عمل آمد

روز پنجشنبه ۱۷ سنبله در سالون لیسهٔ اماني از روز جهانی سواد توسط معینیت سواد حیاتی وزارت معارف تجلیل به عمل آمد.

محفل پس از تلاوت چند آیه از قرآن عظیم الشأن وپخش سرود ملی با خواندن پیام حامد کرزی رئیس جمهور توسط محمد صدیق پتمن معین کادری واداری وزارت معارف آغاز یافت و در این در پیام ذکر شده بود که در این روز باید به مردم خود گزارش دهیم که در طول یکسال چه کارهایی درعرصهٔ محو بیسوادی صورت گرفته وچه تفاوتی درین عرصه رونما شده است.

متعاقباً نور محمد قرقین وزیر معارف نیز در ارتباط صحبت نمود و گفت که نظر به سال های گذشته در رشد سواد آموزی اقدامات عملی صورت گرفته است ولی باز هم تا کنون ۶۸ در صد مردم ما از نعمت سواد محروم اند.

وزیر معارف علاوه کرد: از ادارهٔ موقت تا حال، وزارت معارف توانسته است که ۱۳۴۶۸۴۴ نفر سواد آموز را در ۵۶۲۹۷ کورس در مناطق مختلف کشور تنظیم نماید و از جمله ۶۸۶۱۵۱ تن آنان بعد از گذشتاندن دورهٔ آموزشی فارغ گردیده اند.

همچنان درین محفل حضرت مجددی، سید محمود خلیق معین سواد حیاتی، دکتر نورستانی رئیس سواد حیاتی، نمایندگان وزارت های دفاع وداخله وموسسهٔ یونسکو بالنوبه پیرامون ضرورت فراگیری سواد و ایجاد مکاتب سواد حیاتی در نقاط مختلف کشور صحبت های‌ی داشتند.

در جریان ای‌ن محفل ترانه هایی از سوی شاگرد مکتب های سواد حیاتی و سارندوی وزارت معارف سروده شد. محفل با اجرای پارچهٔ تمثیلی، نمایش فلم وتوزیع تقدیر نامه وتحایف به معلمان ورزیدهٔ سواد حیاتی پایان یافت.

یک فروند هلیکوپتر در پنجشیر...

که تیر اندازی که به تاریخ ۱۹ سنبله به سوی کاروان موترهای عبدالرحیم وردک، وزیر دفاع صورت گرفت، هدف حمله به جان آقای وردک نبوده است.

موصوف تیر اندازی به سوی این کاروان را تصادفی خواند و گفت که این حادثه در اثر درگیری گروهی از سربازان ارتش ملی در نزدیکی جاده یی که موترهای وزارت دفاع از آن می گذشت، رخ داده است.

منابع وزارت دفاع پیش از این اعلام کرده بودند که کاروان موترهای حامل وزیر دفاع به گمان این که وزیر دفاع در موتر موجود است، هدف حمله قرار گرفت که آقای وردک به خاطر اشتراک در چهارمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود به قصد ولایت پنجشیر سفر می کرد.

از سوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخابات:

۲۸ تن از نامزدهای انتخابات رد صلاحیت شدند

کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخابات در افغانستان نامهای ۲۸ نفر از نامزدهای این انتخابات را از فهرست نهایی انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی این کشور حذف کرده است.

قاضی شاه ولی شاهد از ولایت پروان

اختر محمد و محمد اکبر از ولایت ارزگان

فرمانده دیدار از کابل

الحاج حبیب الله جان و فیض محمد طوفان از ولایت غزنی

الحاج حبیب الرحمن افغان از ولایت کاپیسا

حاجی خان میر از ولایت پکتیکا

الحاج عبدالمؤمن خیر خوا از ولایت بلخ

کمال الدین از ولایت سرپل

خان آغا خان و خیر الله از ولایت فاریاب

سید فضل احمد قتالی و سیما سمر محمدی و حاجی میر حمزه از ولایت هرات

سرور جان آغا و غلام یحیی از ولایت فراه

حاجی لعل محمد خان نورزایی از ولایت قندهار

ملا مصطفی حقانی از ولایت غور

جنرال مصطفی خان، امیر گل حسین خیل بغلانی، محمد یوسف بشیر بغلانی، الحاج رئیس عبدالباری و معصومه یقین از ولایت بغلان

حاجی انار گل از ولایت ننگرهار

محبوب الله حامد از ولایت بدخشان

رئیسه فاطمه کاظمیان از ولایت بامیان از جملهٔ رد صلاحیت شدگان می باشند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

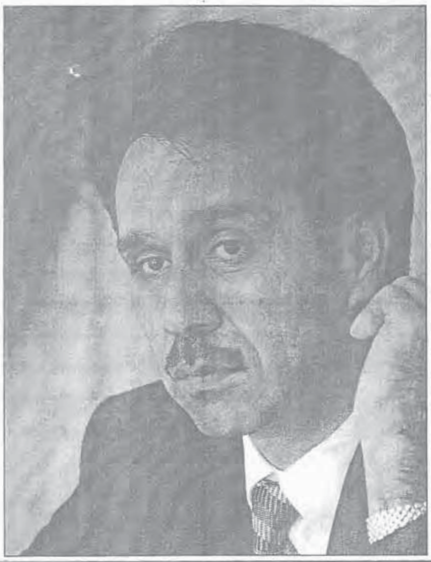
شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۴ | چهارشنبه ۲۳ سنبله ۱۳۸۴ | ۱۰ شعبان المعظم ۱۴۲۶ – 14 September 2005

احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود در خطاب به مردم در مراسم برگزاری چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی:

مسعود به هیچ قوم وطایفه یی بسته نیست بلکه به همهٔ افغانستان وفراتر از آن به جامعهٔ انسانی مربوط می شود



بسم رب الشهدا والصدیقین

درود وصلوات بر روح پاک شهدای افغانستان

چهارمین سالروز شهادت قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود را برای ملت آزاده ی این سرزمین تبریک وتسلیت عرض می نمایم.

جناب محترم رییس صاحب دولت، رهبران محترم جهادی، اعضای محترم کابینه، مهمانان گرانقدر خارجی ، مجاهدین قهرمان افغانستان، خواهران وبرادران السلام علیکم.

عظمت گردهم آیی امروز شما سروران گرامی در چهارمین تجلیل ، یکبار دیگر نمایانگر پیوند قلبی شما با شهید مسعود بوده، برما یکبار دیگر منت نهادید وبرجهانیان نمونه ی از وفا وسپاس به آیین مسعود به نمایش گذاشتید.

شما که وارثین حقیقی راه ورسم مسعود، بنیان گذاران افغانستان امروز می باشید. چهٔ در نبود شما، افغانستان شاید هنوزهُم در اشغال به سر می برد. پس شما وارثین افغانستان آزاد نیز می باشید.

پیروی از آن آئین وحفظ این امانت برهمه ی شماست وشمایید که آنچه می خواهید، آن خواهد شد.

اما بیاد داشته باشید که مسعود به هیچ گروه خاص، قومی ، سمتی وطایفه ای بسته نبود، بلکه به همه ی افغانستان وفراتر از آن به جامعه ی انسانی مربوط می شود. ص۹

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

در حاشیهٔ سمینار ارتقای کیفیت آموزش در کشور

سمینار ارتقای کیفیت آموزش در کشور که در لیسهٔ امانی دایر شده بود در روز اول تاثیرات لازم خویش را بر روی کیفیت آموزش برجا نهاد.

در این روز جاده های مرکزی شهر مسدود گردید. در شرایطی که در مکاتب امتحانات شش ماهه در جریان بود بسیاری از دانش اموزان که راه مکتب و خانهٔ شان از این مسیر ها بود در این روز یا به امتحان حاضر شده نتوانستند و یا زمانی به مکتب رسیدند که نیمی از زمان امتحان سپری شده بود و استادان اصولا نمی توانستند آنان را در امتحان قبول کنند. بعضی از معلمان نیز زمانی به مکتب رسیدند که مدت مدیدی از وقت رسمی حضور در وظیفه می گذشت. پس امتحان به روز دیگر موکول گردید.

برای وزارت محترم مربوطه در جهت برنامه های مشابه که بدون شک بر روی کیفیت آموزش در کشور بی تأثیر نیست تمنای توفیق در راه بندان های بیشتر داریم.

من هنوز هم به همان باورم!

یکی از دوستان دانش پژوه و اهل تحقیق بر من منت نهاده و در رابطه به مطلبی که در یکی از شماره های گذشتهٔ هفته نامهٔ مجاهد تحت عنوان (۲۸ اسد یعنی چه؟) نوشته بودم مطلبی ارسال داشته اند. ایشان به نقل از کتاب دانشمند محترم کاندیدای اکادیمسین اعظم سیستانی تحت عنوان علامه محمود طرزی، شاه امان الله و روحانیت متنفذ نقل کرده اند: ص۷

یک فروند هلیکوپتر در پنجشیر سقوط کرد
سوء قصد به جان وزیر دفاع رد شد

یک فروند هلیکوپتر حامل شماری از مقامات دولتی به تاریخ ۱۹ سنبله که به منظور شرکت در مراسم چهارمین سالگرد قهرمان ملی کشور به پنجشیر رفته بود، حین بازگشت در اثر برخورد با درخت آتش گرفت و سقوط کرد.

گفته شده است که در این حادثه، صدیقه بلخی وزیر شهدا و معلولین افغانستان که از سرنشینان این هلیکوپتر بود، جراحت خفیفی برداشته است.

ژنرال بسم الله خان سرفرمانده ارتش نیز از سرنشینان این هلیکوپتر بود که به او آسیبی نرسید. همچنان یکی از پیلوتان این هلیکوپتر مجروح شده است.

منابع دولتی گفته اند که در این حادثه هیچ آسیبی به سرنشینان هلیکوپتر نرسیده است.

به گفتهٔ ژنرال عظیمی سخنگوی وزارت دفاع نتایج تحقیقات نشان داده است ص۹

واقف حکیمی کاندیدای ولسی جرگه در کابل در جمع محصلان:



باید داغ مذلت فقر را از جبین بزداییم

من اگر به پارلمان رفتم فرهنگ برادری مبتنی بر عدالت و برابری را مطرح خواهم کرد. وحدت ملی به معنای واقعی کلمه وقتی می تواند در جامعه جا بیفتد که بر پایهٔ این فرهنگ برادری استوار گردد. ص۵

نشان انتخاباتی	شماره
	۵۵

در اوراق رأی دهی صفحهٔ اول، ستون سوم و از طرف آخر نفر سوم